

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تحقیق

[www.majazionline.ir](http://www.majazionline.ir)

خودآموز جامع زبان انگلیسی

# English Result

جلد دوم

Pre-Intermediate



خود آموز جامع زبان انگلیسی

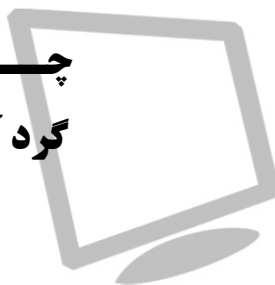
# English Result

Pre-Intermediate

جلد دوم

چاپ دوم : زمستان ۱۳۹۱

گرد آوری و تالیف : علیرضا معتمد



TahlilGaran.org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خودآموز جامع زبان انگلیسی <b>English Result</b> / گردآوری و تالیف علیرضا معتمد.
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ج ۴؛ ۵/۲۱×۱۴/۵ س.م.
شابک	: دوره ۲-۳۲-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱: ۹-۳۳-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۲: ۶-۳۴-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج ۳: ۳-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۴: ۴-۳۶-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زبان انگلیسی -- کتاب‌های درسی برای خارجیان -- فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی -- دستور -- خودآموز
موضوع	: زبان انگلیسی -- واژگان -- راهنمای آموزشی
موضوع	: زبان انگلیسی -- خودآموز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۸۸خ۶۴م/۱۱۲۸PE
رده بندی دیویی	: ۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۹۴۹۸۰

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم،  
پلاک ۱۸، واحد ۲ تلفن: ۸۰۸۰۱۲۳۳  
سایت اینترنت: [www.TahlilGaran.org](http://www.TahlilGaran.org)  
پست الکترونیک: [info@TahlilGaran.org](mailto:info@TahlilGaran.org)



نام کتاب: خودآموز جامع زبان انگلیسی **English Result** - جلد دوم

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۱

قطع رقعی: ۸۰ صفحه

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۲-۳۲-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۶-۳۴-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۳۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

## مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی English Result، جدیدترین محصول آموزشی انتشارات دانشگاه آکسفورد بوده که جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری، شیوه تلفظ صحیح و ... بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان در کنار آموزشهای آکادمیک می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید و راهنمای تلفظ لغات هر درس از کتابهای انگلیش ریزالت می باشد که در چهار جلد ویژه هر سطح ارایه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی انگلیش ریزالت مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

**موفق باشید**

**علیرضا معتمد**

**موسس و مدیر مسئول**



## فهرست مطالب :

- |    |   |        |
|----|---|--------|
| ۶  | ✓ بیان مالکیت<br>✓ صفات ملکی<br>✓ زمان حال استمراری<br>✓ افعال حرکتی و غیر حرکتی    | درس ۱. |
| ۱۱ | ✓ کلمات پرسشی با How<br>✓ صفت تفضیلی<br>✓ صفت عالی<br>✓ زمان گذشته ساده             | درس ۲. |
| ۲۱ | ✓ کاربرد like, would like<br>✓ کاربرد can, could<br>✓ کاربرد going to در آینده ساده | درس ۳. |
| ۲۶ | ✓ زمان حال کامل<br>✓ کاربرد for, since, yet, just                                   | درس ۴. |
| ۳۲ | ✓ کاربرد will, shall<br>✓ ضمایر مفعولی<br>✓ افعال دو جزئی<br>✓ کاربرد must          | درس ۵. |
| ۳۹ | ✓ کاربرد have to<br>✓ زمان گذشته استمراری   | درس ۶. |

۴۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ضمایر ربطی</li> <li>✓ حروف اضافه مکان</li> </ul>	درس ۷.
۴۹	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ ضمایر ملکی</li> <li>✓ جملات معلوم و مجهول</li> <li>✓ جملات شرطی</li> </ul>	درس ۸.
۵۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش</li> <li>✓ کاربرد Quantifiers</li> <li>✓ کاربرد some, any, much, many, a lot of</li> <li>✓ کاربرد should</li> </ul>	درس ۹.
۶۲	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ کاربرد for, since, yet, just</li> <li>✓ کاربرد used to</li> </ul>	درس ۱۰.
۶۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ افعال حرکتی و غیر حرکتی</li> <li>✓ کاربرد مصدر</li> <li>✓ ساختار جملات مجهول گذشته ساده</li> </ul>	درس ۱۱.
۷۰	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ کاربرد اسم مصدر</li> <li>✓ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم</li> <li>✓ حروف اضافه زمان</li> </ul>	درس ۱۲.
۷۵		فهرست موضوعی واژگان
۸۰		فهرست منابع و مراجع

**Unit 1****Grammar****☑ بیان مالکیت :**

از 'S برای بیان مالکیت برای انسان در جملات استفاده می شود. مانند:

Ali's book

Mary's mother

از Of مابین دو اسم برای بیان مالکیت اشیاء در جملات استفاده می شود. مانند:

The window **of** the class

**توجه:** در بیان مالکیت انسان، چنانچه اسم بصورت جمع با قاعده در جملات بکار رفته باشد، از ' بجای 'S استفاده می شود. مثال:

The children's book

**توجه:** در بیان مالکیت حیوانات نیز از 'S بصورت فوق استفاده می شود. مثال:

Don't step on the cat's tail.

**توجه:** در اتصال اسم به قید زمان یا طول زمان، از 'S استفاده می شود. مثال:

Today's news

Tomorrow's newspaper

Next week's meeting

Monday's show

It's only about ten minutes' walk.

Julia has got a week's holiday starting on Monday.

**☑ صفات ملکی :**

صفت ملکی، کلمه ای است که مالکیت اسم را بیان نموده و در عین حال بصورت صفت قبل از اسم قرار می گیرد. صفات ملکی عبارتند از :

my    your    his    her    its  
our    your    their

مثال:

**My** name is Ali.

What is **your** name?

How do you spell **his** name?

**Her** name is Mary.

### ☑ زمان حال استمراری:

فعل حال استمراری رویدادی است که در زمان حاضر در حال وقوع بوده و همچنین تکرار پذیر باشد. مثال :

I am smoking now.

هم اکنون من دارم سیگار می کشم.

جمله فوق استمرار سیگار کشیدن در حال حاضر را نشان می دهد. در حالیکه جمله I smoke a cigarette به مفهوم عادت سیگار کشیدن است. (من کلا سیگار می کشم) ساختار جملات حال استمراری بصورت زیر می باشد:

**ing + فعل اصلی + am, is, are + فاعل**

مثال:

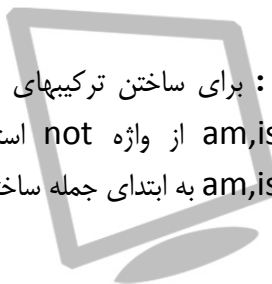
I am wearing jeans.

You are walking to work.

It is working.

**توجه :** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال استمراری، کفایست پس از افعال am, is, are از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن am, is, are به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

I am not wearing jeans.





Are you walking to work?

Yes, I am.

No, I am not.

**توجه :** اگر انتهای فعل به e ختم شود، هنگام اضافه شدن -ing به آن، e حذف می شود. مانند:

write ► writing

**توجه :** اگر انتهای فعل به حرف بی صدا ختم شود و ماقبل آن حرف صدادار قرار داشته باشد، هنگام اضافه شدن -ing به فعل، حرف بی صدا تکرار می شود. مانند:

run ► running

### ☑ افعال حرکتی و غیر حرکتی :

افعال حرکتی یا action verbs افعالی هستند که صورت گرفتن عملی را نشان می دهند. مانند: دویدن، راه رفتن، نوشتن و ...

افعال غیر حرکتی یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...  
مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

**Thinking & opinions:** believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

**Sense:** appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

**توجه :** افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند.  
مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.

## 📌 Vocabulary

adjective	/'ædʒɪktɪv/	صفت
along	/ə'lɒŋ/	پیش رفتن
anaconda	/æ'nɒkəndə/	نوعی مار بزرگ
badge	/bædʒ/	نشان، علامت
because	/br'kɒz/	زیرا
boss	/bɒs/	رئیس
both	/bəʊθ/	هر دو
capital letter	/kæprɪl 'letə/	حرف الفبای بزرگ
card	/kɑ:d/	کارت
check	/tʃek/	بررسی کردن
corridor	/'kɒrɪdɔ:/	راهرو
coursebook	/'kɔ:sbʊk/	کتاب درسی
credit card	/'kredɪt kɑ:d/	کارت اعتباری
definition	/defɪ'nɪʃn/	تعریف، معنی
dictionary	/'dɪkʃənri/	لغت نامه
driving licence	/'draɪvɪŋ laɪsəns/	گواهینامه رانندگی
envelope	/'envələʊp/	پاکت نامه
first name	/'fɜ:st nem/	نام اول، اسم کوچک
how	/haʊ/	چگونه
ID card	/aɪ 'di: kɑ:d/	کارت شناسایی
initials	/'ɪnɪʃlz/	حروف اختصاری نام و نام خانوادگی
letter	/'letə/	حرف الفبا
like	/laɪk/	دوست داشتن، شبیه
Mali	/'mɑ:li/	کشور مالی
mean	/mi:n/	معنی داشتن، متوسط
meaning	/'mi:nɪŋ/	معنی و مفهوم
middle name	/'mɪdl nem/	نام وسط
nickname	/'nɪknem/	نام مستعار
note	/nəʊt/	یادداشت
noun	/naʊn/	اسم
passport	/'pɑ:spɔ:t/	گذرنامه
past	/'pɑ:st/	گذشته

خودآموز جامع زبان انگلیسی (سطح ۲)

plural	/'plʊərəl/	جمع
probably	/'prɒbəbli/	احتمالا
Senegal	/senə'gɔ:l/	کشور سنگال
similar to	/'smɪlə tə/	شبيه به ...
surname	/'sɜ:nem/	نام خانوادگی
system	/'sɪstəm/	سیستم
technician	/tek'nɪʃn/	تکنسین فنی
ticket	/'tɪkɪt/	بلیط
uncountable	/ʌn'kaʊntəbl/	غیر قابل شمارش
verb	/vɜ:b/	فعل
virus	/'vaɪrəs/	ویروس
vocabulary	/və'kæbjələri/	واژگان
West Africa	/west 'æfrɪkə/	آفریقای غربی
what	/wɒt/	چه چیز
when	/wen/	چه وقت
where	/weə/	کجا
which	/wɪtʃ/	کدام
who	/hu:/	چه کسی
why	/waɪ/	چرا

by the way	راستی ...
for example	برای نمونه
is a kind of	یک نوع از ...
is the opposite of	متضاد ...
is the past of	گذشته ...
means the same as	مترادف ...
Ouch!	آخ!
sounds the same as	هم صدا با ...
What does (watch) mean?	Watch به چه معنی است؟
What's (she) like?	او چه شکلی است؟

## Unit 2

### Grammar

#### ☑ کلمات پرسشی با How :

از ترکیب How با کلماتی از قبیل long, old, far, high, much, ... می توان سوالاتی در مورد خصوصیات اشیا از قبیل طول، سن، فاصله، بلندی، مقدار و ... پرسید. به مثالهای زیر توجه نمایید:

**How long** is the journey to Isfahan?

It's an hour.

**How far** is the London Eye from Big Ben?

It's 500 metres.

**How much** is an Adult ticket?

It's £21.00.

#### ☑ کاربرد صفت :

صفت در جملات برای بیان توضیح در خصوص اسم بکار می رود. مثال :  
a **red** book, an **old** man, a **small** car, an **English** teacher

صفت قبل از اسم بکار می رود. هنگامیکه دو صفت متوالی در جمله بکار می رود، رنگ پس از سایر صفتها بکار برده می شود. مثال:

a **big green** house

a **new black** bag

#### ☑ صفت تفضیلی :

صفت تفضیلی برای مقایسه برتری دو اسم نسبت بهم بکار می رود. مانند **علی** از **مریم بلندقدتر است**. در این جمله **بلندقدتر** صفت تفضیلی می باشد.  
در زبان انگلیسی صفت تفضیلی با افزودن -er به انتهای صفتهای تک سیلابی بدست می آید. مثال :

بلندتر : taller ► بلند : tall

علی از ماری قدبلندتر است. Ali is taller than Mary.

than در جملاتی که دارای صفات تفضیلی هستند به معنی (از) جهت مقایسه دو

اسم بکار می رود. مثال :

This book is not cheaper **than** that book.

این کتاب ارزان تر از آن کتاب نیست

**توجه :** هنگام افزودن -er به انتهای صفت‌های تک سیلابی که حرف انتهایی آنها بی

صدا بوده و حرف ماقبل آخر صدادار است، حرف انتهایی تکرار می شود. مانند

bigger , fatter , hotter

### ☑ سیلابها در زبان انگلیسی :

به لغاتی مانند cat , dog , horse که در یک بخش ادا می شوند ، کلمات تک

سیلابی گفته می شود. لغاتی مانند monkey , dolphin که در دو بخش ادا می

شوند ، کلمات دو سیلابی گفته می شوند. همینطور لغاتی مانند kangaroo ,

elephant که در سه بخش ادا گردیده و سه سیلابی هستند.

همانطور که دیدید در صفت‌های تک سیلابی مانند tall و old ، صفت تفضیلی با

افزودن -er به انتهای لغت تشکیل می شود. مانند: taller و older

### ☑ صفت تفضیلی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت تفضیلی با افزودن more

به ابتدای لغت تشکیل می شود. مانند : more beautiful

به مثالهایی در این زمینه توجه نمایید:

My mother is older than your mother.

مادر من از مادر تو مسن تر است

My father is more hardworking than my uncle.

پدر من از عمویم سختکوش تر است

### ✓ صفت های تفضیلی بی قاعده :

بعضی صفت‌های تفضیلی بی قاعده بوده و با افزودن -er به انتهای صفت ساخته نمی شوند. مانند :

Good : خوب ► Better : بهتر

Bad : بد ► Worse : بدتر

far : دور ► further : دورتر

### ✓ کاربرد less :

گاهی صفت‌های تفضیلی چند سیلابی با less به معنی (کمتر) بجای more به معنی (بیشتر) نوشته می شوند. در این حالت جمله مفهوم منفی خواهد داشت. مثال :

My book is more expensive than your book.

کتاب من از کتاب شما گرانتر است

Your book is less expensive than my book.

کتاب شما از کتاب من گرانتر نیست

### ✓ صفت عالی :

صفت عالی برای مقایسه برتری میان چندین اسم بکار می رود. مانند **علی بلندقدترین دانش آموز است**. در این جمله **بلندقدترین** صفت عالی می باشد.

در زبان انگلیسی صفت عالی با افزودن **-est** به انتهای صفت‌های تک سیلابی ساخته می‌شود. مثال :

بلندترین : tallest ► بلند : tall

علی قدبلندترین دانش آموز است. Ali is the tallest student.

**توجه :** the در جملاتی که دارای صفات عالی هستند همیشه قبل از صفت عالی بکار می‌رود. مثال :

علی جوانترین بچه است. Ali is the youngest child.

### ☑ صفت عالی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت عالی با افزودن most به ابتدای لغت ساخته می‌شود. مانند : most beautiful  
مثال:

Isfahan is the most beautiful city in Iran.

اصفهان زیباترین شهر ایران است

### ☑ صفت عالی بی قاعده :

بعضی صفت‌های عالی بی قاعده هستند. و با افزودن **-est** به انتهای صفت ساخته نمی‌شوند. مانند :

بهترین : Best ► خوب : Good

بدترین : Worst ► بد : Bad

دورترین : furthest ► دور : far

### ☑ ترکیب much با صفت عالی :

ترکیب much با صفت عالی به آن مفهوم (خیلی) می‌دهد. (در این حالت از very استفاده نمی‌شود)  
مثال:

This book is **much** cheaper than that book.

این کتاب از آن کتاب بسیار ارزانتر می باشد.

### ☑ زمان گذشته ساده :

زمان گذشته ساده برای بیان فعلی استفاده می شود که در گذشته اتفاق افتاده و خاتمه پیدا کرده باشد. مثال :

I worked yesterday.

من دیروز کار کردم.

ساختار زمان گذشته ساده بصورت زیر می باشد:

### گذشته فعل اصلی + فاعل

**توجه :** افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها به فعل گذشته ساده تبدیل می گردند. مانند :

rain ► rained

work ► worked

**توجه :** زمانیکه انتهای فعل به **e** ختم شده باشد، برای ساختن زمان گذشته فعل ، افزودن **-d** به انتهای آن کافی می باشد. مثال :

exercise ► exercised

**توجه :** زمانیکه انتهای فعل به **y** ختم شده باشد و قبل از **y** حرف بیصدا وجود داشته باشد، **y** حذف شده و بجای آن **-ied** قرار می گیرد. مانند :

study ► studied

**توجه :** زمانیکه انتهای فعل به **y** ختم شده باشد و قبل از **y** حرف صدادار وجود داشته باشد، گذشته فعل بصورت عادی **-yed** نوشته می شود. مانند :

play ► played



**توجه:** اگر انتهای فعل به حروف صدا دار (a, e, l, o, u) ختم نشود ولی ماقبل آن حرف صدا دار باشد، هنگام اضافه شدن -ed حرف آخر تکرار می شود. مانند:  
stop ► stopped

### ☑ ترکیبهای مختلف جملات زمان گذشته ساده :

همانطور که گفته شد ساختار جملات گذشته ساده بصورت **فاعل + گذشته فعل اصلی** می باشد. جملات پرسشی گذشته ساده با افزودن **did** به ابتدای جمله و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شوند. مانند:

Did you watch TV last night?

جملات منفی گذشته ساده نیز با افزودن **didn't** ماقبل فعل اصلی و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شوند. مانند:

I didn't watch TV last night.

### ☑ فعل کمکی :

به افعالی از قبیل **did** فعل کمکی گفته می شود. این افعال جهت ساختن زمانهای مختلف بکار رفته و به تنهایی معنایی ندارند.

**توجه:** همانطور که گفته شد همیشه از فعل کمکی **did** در ابتدای جمله برای ساختن جملات پرسشی و از فعل کمکی **didn't** ماقبل فعل اصلی برای ساختن جملات منفی استفاده می شود. زمانیکه فعل اصلی جمله از ترکیبات **be (was / were)** باشد، جملات پرسشی و منفی بدون استفاده از **did** و **didn't** و بصورت زیر نوشته می شوند. مثال:

I was late.

I wasn't late.

Was I late?

You were happy.

You weren't happy.

Were you happy?



## 📌 Vocabulary

about	/ə'baʊt/	درباره
adult	/'ædʌlt/	جوان بالغ
Afro	/'æfrəʊ/	آفریقایی
animal	/'ænməl/	حیوان
Asia	/'eɪzə/	آسیا
attraction	/ə'trækʃn/	کشش، جاذبه
average	/'ævərɪdʒ/	متوسط
bag	/bæg/	کیف
beach	/bi:tʃ/	ساحل
book	/bʊk/	کتاب
camel	/'kæml/	شتر
cap	/kæp/	کلاه، سرپوش
carry	/'kæri/	حمل کردن
castle	/'kɑ:sl/	قلعه
Central America	/sentrəl ə'merɪkə/	آفریقای مرکزی
challenge	/'tʃælɪndʒ/	به مبارزه طلبیدن
church	/tʃɜ:tʃ/	کلیسا
cloud	/klaʊd/	ابر
cloudy	/'klaʊdi/	ابری
cold	/kəʊld/	سرد
cool	/ku:l/	خنک
cup	/kʌp/	فنجان
day trip	/'deɪ trɪp/	سفر کوتاه یک روزه
degrees	/drɪ'grɪz/	درجات، رتبه ها
description	/dɪs'krɪpʃn/	شرح
desert	/'dezət/	بیابان
distance	/'dɪstəns/	فاصله
dry	/'draɪ/	خشک
duty free shop	/dʒu:ti 'fri: ʃɒp/	مغازه ای که خرید از آن معاف از مالیات است
elephant	/'eləfənt/	فیل
episode	/'epɪsəʊd/	فصل کتاب
extreme	/'ɪks'tri:m/	حد نهایت

fact	/fækt/	حقیقت
famous	/'feməs/	مشهور
fan	/fæn/	پنکه، طرفدار هنرمندان
fare	/feə/	کرایه
fog	/fɒg/	مه
foggy	/'fɒgi/	مه آلود
forest	/'fɒrɪst/	جنگل، بیشه زار
geography	/'dʒɒgrəfi/	جغرافیا
giraffe	/'dʒɪ'rɑ:f/	زرافه
hairdo	/'heɪdu:/	آرایشگر زنانه، آرایش موی زنان
heat	/hi:t/	گرما
heavy	/'hevi/	سنگین
high	/haɪ/	بلند
horrible	/'hɒrəbl/	سهمگین
hot	/hɒt/	داغ
information	/'mfə'meɪʃn/	اطلاعات
inhabited	/'m'hæbɪtɪd/	ساکن شده، سکنی گزیده
insect	/'ɪnsɛkt/	حشره، کرم
island	/'aɪlənd/	جزیره
journey	/'dʒɜ:nɪ/	سفر
key ring	/'ki: rɪŋ/	حلقه چاکلیدی
kilometre	/'kɪləmɪtə/	کیلومتر
knife	/naɪf/	چاقو
knives	/naɪvz/	چاقوها (جمع)
lake	/leɪk/	دریاچه
light	/laɪt/	چراغ
lighthouse	/'laɪthaʊs/	فانوس دریایی
lion	/'laɪən/	شیر نر
local	/'ləʊkl/	محلی
low	/ləʊ/	کم
maybe	/'meɪbi/	شاید، احتمالا
metres	/'mɪ:təz/	متر (جمع)
Middle East	/'mɪdl 'i:st/	خاور میانه

mile	/maɪl/	مایل
minus	/'mænəs/	منفی
mountain	/'maʊntɪn/	کوه
mug	/mʌg/	لیوان
North Africa	/nɔːθ 'æfrɪkə/	آفریقای شمالی
one way	/wʌn 'weɪ/	یک طرفه
opinion	/'əpɪnjən/	نظریه
palm tree	/'pɑːm triː/	درخت نخل
picture it	/'pɪktʃə rɪ/	عکس گرفتن از مناظر
Pisces	/'pɪsɪz/	برج حوت
plate	/'plet/	صفحه فلزی، بشقاب
postcard	/'pəʊstkɑːd/	کارت پستال
poster	/'pəʊstə/	پوستر
pretty	/'prɪti/	تا حدودی زیبا
railway	/'reɪlweɪ/	خط راه آهن
rain	/'rem/	باران
rainfall	/'remfɔːl/	بارندگی
rainy	/'remi/	بارانی
recorded	/'rɪkɔːdɪd/	ثبت شده
region	/'rɪdʒn/	منطقه
research	/'riːsɜːtʃ/	پژوهش
return	/'rɪ'tɜːn/	بازگشت
river	/'rɪvə/	رودخانه
round trip	/'raʊnd 'trɪp/	سفر رفت و برگشتی
rug	/'rʌg/	فرش
ruins	/'ruːnz/	ناپودی، تباہی
safari	/'sə'fɑːri/	سیاحت، سفر اکتشافی
Scandinavia	/'skændə'veɪviə/	اسکاندیناوی
scenery	/'sɪnəri/	منظره، چشم انداز
sea level	/'siː levl/	سطح دریا
snow	/'snəʊ/	برف
snow-capped	/'snəʊ kæpt/	قله پوشیده شده از برف
snowy	/'snəʊi/	برفی

soft	/sɒft/	نرم
souvenir	/su:ʋə'niə/	سوغاتی
special offer	/speʃl 'ɒfə/	پیشنهاد ویژه
step	/step/	گام، قدم
storm	/stɔ:m/	طوفان
stormy	/'stɔ:mi/	طوفانی
summit	/'sʌmɪt/	قله، اوج
sun	/sʌn/	خورشید
sunny	/'sʌni/	آفتابی
temperature	/'tempərətʃə/	دما
tower	/'taʊə/	برج
travel agent	/'trævl eɪdʒənt/	متصدی آژانس مسافرتی
t-shirt	/'ti:ʃɜ:t/	تیشرت
Tunisia	/'tju:nɪziə/	کشور تونس
TV series	/'ti:vɪ sɪəri:z/	سریالهای تلویزیونی
village	/'vɪlɪdʒ/	روستا
volcano	/'vɒl'kenəʊ/	کوه آتشفشان
warm	/'wɔ:m/	گرم
wet	/'wet/	مرطوب
wind	/'wɪnd/	باد
windy	/'wɪndi/	بادی، پر باد
work on	/'wɜ:k ɒn/	کار کردن و وقت گذاشتن
zebra	/'zebrə/	گورخر
zoo	/'zu:/	باغ وحش

Are you sure?	آیا مطمئن هستید؟
Better than nothing!	از هیچی بهتر است!
How high is it?	ارتفاع آن چقدر است؟
How much is the fare?	کرایه چقدر می شود؟
I hope this information is helpful to you.	امیدوارم که این اطلاعات برایتان مفید باشد.
It's a bit expensive.	مقداری گران است.
In fact	در واقع

### Unit 3

#### Grammar

#### ☑ کاربرد like و would like :

از ترکیب like به همراه حالت -ing دار فعل برای بیان اموری که در حال حاضر برای گوینده دلپذیر است استفاده می شود. مثال:

I **like** swimming.  
They **don't like** swimming.  
**Does he like** swimming?

**توجه:** عبارت I like ... ing برای بیان کار دلپذیر در زمان حال می باشد. در صورتیکه عبارت I like to ... برای بیان اموری که مناسب بوده ولی در حال حاضر برای گوینده چندان هم دلپذیر نباشد، بکار می رود. مثال:

It's not my favourite job, but I **like** to clean the kitchen as often as possible.

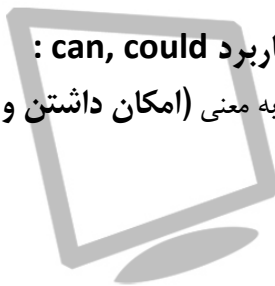
**توجه:** عبارت would like به همراه مصدر با to برای بیان اموری که در آینده نزدیک قصد انجام آن باشد، بکار می رود. مثال:

I **would like** to play tennis.  
They **wouldn't like** to play tennis.  
**Would you like** to play tennis?

#### ☑ کاربرد can, could :

can به معنی (امکان داشتن و توانستن) در جملات بکار می رود. مثال :

I **can** swim.  
We **can't** swim.  
**Can** he swim?



could حالت گذشته can بوده و برای بیان توانستن در زمان گذشته بکار می رود. مثال:

**I could** swim.

**We couldn't** swim.

**Could** he swim?

همچنین could برای بیان امکان داشتن در زمان حال ساده نیز بکار می رود. مثال:

**We could** go to the cinema tonight.

**We could** play tennis.

### ☑ کاربرد going to در آینده ساده :

از ترکیبات going to می توان جهت بیان تصمیم انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

**I am going to** lose weight.

قصد دارم تا وزن کم کنم.

**He is going to** learn Japanese.

او قصد دارد تا زبان ژاپنی بیاموزد.

توجه: از going to می توان برای پیش بینی آینده بر اساس وقایع جاری نیز استفاده نمود. مثال:

**I'm going to** start work.

نزدیک است که کار را شروع کنم.

**It is going to** fall.

نزدیک است که بیفتد.



## 📌 Vocabulary

action film	/'ækʃn film/	فیلم اکشن
actor	/'æktə/	بازیگر
Arabic	/'æɾəbɪk/	عربی
based on	/'beɪst ɒn/	بر اساس ...
Bermuda shorts	/bə'mjɜ:də ʃɔ:ts/	شلوارک برمودایی
bike	/baɪk/	دوچرخه
bite	/baɪt/	گاز گرفتن
board	/bɔ:d/	تخته، تابلو، سوار شدن
bombs	/bɒmz/	بمب ها (جمع)
boring	/'bɔ:ɪŋ/	خسته کننده
camel	/'kæml/	شتر
character	/'kærəktə/	خصوصیت، شخصیت
chess	/tʃes/	شطرنج
chicken	/'tʃɪkɪn/	جوجه
clarification	/klə'reɪfɪ'keɪʃn/	روشنی، وضوح
climbing	/'klaɪmɪŋ/	بالا رفتن، صعود کردن
channel	/'tʃænəl/	کانال
comedy	/'kɒmədi/	کمدی، خنده دار
competitions	/kɒmpə'tɪʃnz/	مسابقات
computer	/kəm'pjʊtə/	رایانه
concert	/'kɒnsət/	کنسرت
control	/kən'trəʊl/	کنترل و بازرسی
crime	/kraɪm/	جرم و جنایت
crosswords	/'krɒswɜ:dz/	جدول کلمات
daredevil	/'deədevɪl/	بی پروا
deep	/di:p/	عمیق
director	/də'rektə/	کارگردان
dive	/daɪv/	غواصی، شیرجه
diving	/'daɪvɪŋ/	غواصی کردن
epic	/'epɪk/	رزمی، حماسی
except	/ɪk'sept/	بجز
famous	/'feɪməs/	مشهور



fashionable	/'fæʃnəbl/	شیک، با مد روز
focus	/'fəʊkəs/	تمرکز کردن
golf	/gɒlf/	بازی گلف
history	/'hɪstri/	تاریخ
horror	/'hɒrə/	ترس و وحشت
horse	/hɔ:s/	اسب
ice climbing	/'aɪs klɑ:mɪŋ/	یخ نوردی
ice rink	/'aɪs rɪŋk/	سر خوردن در میدان یخی
interesting	/'ɪntrestɪŋ/	جالب
invitation	/ɪnvɪ'teɪʃn/	دعوت
jigsaws	/'dʒɪɡzɔ:z/	اره مویی،اره منبت کاری
lottery	/'lɒtəri/	بخت آزمایی
lover	/'lʌvə/	عاشق، دوستدار
map	/mæp/	نقشه
motorbike	/'məʊtəbaɪk/	موتور سیکلت
movie	/'mu:vi/	سینما
music	/'mju:zɪk/	موزیک
novel	/'nɒvl/	کتاب رمان
play	/pleɪ/	بازی کردن
prefer	/'prɪ'fɜ:z/	ترجیح دادن
programme	/'prəʊgræm/	برنامه
puzzles	/'pʌzlz/	معما، چیستان
relaxing	/'rɪ'læksɪŋ/	راحت کردن، ریلکس کردن
roller skating	/'rəʊlə sketɪŋ/	اسکیت سواری
romance	/'rəʊmæns/	داستان عاشقانه
satellite TV	/'sætələt tɪv 'vi:/	تلویزیون ماهواره ای
scale	/'skeɪl/	ترازو، مقیاس
scene	/'si:n/	منظره، چشم انداز
science fiction	/'saɪəns 'fɪkʃn/	داستان علمی و تخیلی
scuba-diving	/'sku:bə daɪvɪŋ/	ورزش اسکوبا
sewing machine	/'səʊɪŋ məʃɪn/	ماشین خیاطی
ship	/'ʃɪp/	کشتی
skating	/'sketɪŋ/	اسکیت بازی

skiing	/'ski:ɪŋ/	اسکی بازی
skydiving	/'skɑ: dɑ:vɪŋ/	ورزش سقوط آزاد از هواپیما
snowboarding	/'snəʊbɔ:ɪdɪŋ/	ورزش سر خوردن با تخته روی برف
star	/'stɑ:/	ستاره
story	/'stɔ:ri/	داستان
sunglasses	/'sʌŋglɑ:sɪz/	عینک آفتابی
surfing	/'sɜ:fɪŋ/	ورزش موج سواری
surprise	/'sʌpraɪz/	شگفتی، حیرت
switch off	/'swɪtʃ 'ɒf/	خاموش کردن، ریلکس کردن
table tennis	/'teɪbl tennis/	تنیس روی میز
the guitar	/'ðə ɡr'tɑ:/	گیتار
thriller	/'θrɪlə/	هیجان انگیز و به لرزه درآورنده
try	/'traɪ/	امتحان کردن
vampire	/'væmpaɪə/	خوش آشام
waterskiing	/'wɔ:təski:ɪŋ/	ورزش اسکی روی آب
wave	/'weɪv/	موج
win	/'wɪn/	برنده شدن
windsurf	/'wɪmsɜ:f/	ورزش موج سواری
windsurfing	/'wɪmsɜ:fɪŋ/	موج سواری کردن

do crosswords	جدول کلمات حل کردن
do jigsaws	منبت کاری کردن
do puzzles	چیستان و پازل حل کردن
play chess	شطرنج بازی کردن
play table tennis	تنیس روی میز بازی کردن
play the guitar	گیتار نواختن
point of view	دیدگاه
ride a bike	دوچرخه سواری کردن
ride a horse	اسب سواری کردن
stay home	در خانه ماندن
use a computer	از رایانه استفاده کردن
use a sewing machine	از ماشین خیاطی استفاده کردن
What shall we watch?	قصد داریم چه چیزی تماشا کنیم؟

## Unit 4

## Grammar

## ☑ کاربرد can, could :

can در جملات پرسشی جهت کسب اجازه بکار می رود. مثال :

**Can** I have a cup of tea, please?

**Can** I open the door, please?

**Can** you help me, please?

could نیز در جملات پرسشی جهت کسب اجازه بکار می رود و رسمی تر از can می باشد. مثال :

**Could** you open the door, please?

**Could** you help me, please?

## ☑ زمان حال کامل :

به عبارت (علی به مدرسه رفته است) توجه نمایید. این جمله به مفهوم رفتن علی در گذشته می باشد و در حال حاضر نیز اثر رفتن علی مشخص بوده و تا کنون ادامه دارد. به این زمان حال کامل یا ماضی نقلی گفته می شود. به عبارت دیگر حال کامل زمانی است که در گذشته شروع شده و نتیجه و اثر آن در حال حاضر باقی مانده باشد. ساختار جملات حال کامل بصورت زیر می باشد:

## قسمت سوم فعل + has / have + فاعل

مثال :

He learns English every day.

او هر روز انگلیسی می آموزد (زمان حال ساده)

He has learned English for two years.

او برای مدت دو سال انگلیسی خوانده است. (زمان حال کامل)



**توجه :** در انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی **(برای مدت ...)** یا **since** به معنی **(از ... تا کنون)** به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال :

She has lived in Iran **since** 1380.

او از سال ۱۳۸۰ تا کنون در ایران زندگی کرده است.

She has lived in Iran **for** two years.

او برای دو سال در ایران زندگی کرده است

**توجه :** کاربرد دیگر زمان حال کامل در جملاتی است که از گذشته نامعلوم شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده باشد. مثال:

I haven't gone there.

من به آنجا نرفته ام

### ☑ قسمت سوم فعل ( اسم مفعول) :

اسم مفعول یا قسمت سوم افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده قسمت سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. قسمت سوم برخی از افعال بی قاعده بصورت زیر است:

have ► had

go ► gone see ► seen

begin ► begun

sing ► sung do ► done

take ► taken

draw ► drawn

choose ► chosen

forget ► forgotten

### ☑ ترکیبهای مختلف جملات زمان حال کامل :

همانگونه که دیدید زمان حال کامل با فعل کمکی **have , has** همراه می باشد. بنابراین برای منفی نمودن جمله می بایست **not** را به انتهای فعل کمکی اضافه

نماییم و همچنین برای ساختن جملات پرسشی می بایست **have, has** را به ابتدای جملات بیاوریم.

مثال:

She **hasn't** arrived yet.

او هنوز نرسیده است

**Has** she arrived yet?

آیا او رسیده است؟

### ☑ کاربرد **for, since, yet, just** :

همانطور که دیدید در انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی (برای مدت ... ) یا **since** به معنی (از ...، تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود.

**yet** به معنی (هنوز) و **just** به معنی (چند لحظه قبل) و **already** به معنی (پیش از این) نیز در جملات حال کامل بکار می روند. مثال:

He has **just** arrived at the theater.

او اندکی قبل به تئاتر رسیده است

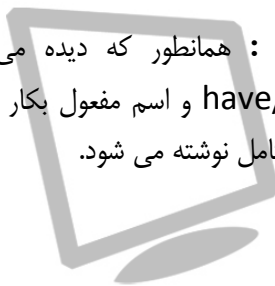
I have **already** put it in my pocket.

من پیش از این آنرا در جیبم قرار دادم

I haven't seen it **yet**.

من هنوز آنرا ندیده ام

توجه : همانطور که دیده می شود، **just** و **already** مابین فعل کمکی **have/has** و اسم مفعول بکار می روند. همچنین **yet** معمولا در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.



**توجه :** گاهی از **before** به معنی **(قبلا)** در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her **before**.

من قبلا او را ندیده ام.

**توجه :** در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه حال ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book **since** you came here.

من آن کتاب را ندیده ام از زمانیکه شما به اینجا آمده اید.

**توجه :** گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have, has** و اسم مفعول بکار می روند. مثال:

Have you **ever** seen Isfahan?

آیا تا کنون اصفهان را دیده اید؟

No, I have **never** seen it.

نه، هیچوقت آنرا ندیده ام.



## ▼ Vocabulary

abroad	/ə'brɔ:d/	خارج از کشور
ashtray	/'æʃtreɪ/	زیر سیگاری
bill	/bɪl/	صورتحساب
blanket	/'blæŋkɪt/	پتو
break	/'breɪk/	شکستن
burn	/'bɜ:n/	سوزاندن
cactus	/'kæktəs/	کاکتوس
clean	/'kli:n/	تمیز کردن
cup	/'kʌp/	فنجان
cut	/'kʌt/	بریدن
do	/'du:/	انجام دادن
drop	/'drɒp/	افتادن
electricity	/'lek'trɪsəti/	برق
fall	/'fɔ:l/	افتادن، پاییز
feed	/'fi:d/	تغذیه کردن
finger	/'fɪŋgə/	انگشت
floor	/'flo:/	طبقه
flu	/'flu/	آنفولانزا
fork	/'fɔ:k/	چنگال
gas	/'gæs/	گاز، بخار
glass	/'glɑ:s/	لیوان، شیشه
guests	/'gests/	میهمانان (جمع)
happen	/'hæpən/	رخ دادن
heating	/'hi:tɪŋ/	گرم کردن
hope	/'həʊp/	امیدوار بودن
independent	/'ɪndɪ'pendənt/	مستقل
keep clean	/'ki:p 'kli:n/	تمیز نگه داشتن
key	/'ki:/	کلید، راه حل
kitchen	/'kɪtʃən/	آشپزخانه
knife	/'naɪf/	چاقو
mineral water	/'mɪnərəl wɔ:tə/	آب معدنی
once	/'wʌns/	یکبار

outside line	/'aʊtsaɪd laɪn/	خارج از خط
own	/əʊn/	دارا بودن
owner	/'əʊnə/	مالک
pillow	/'pɪləʊ/	بالش
plate	/pleɪt/	بشقاب، صفحه فلزی
pot of tea	/'pɒt əv 'ti:z/	قوری چای
receptionist	/'rɪ'sepʃənɪst/	متصدی پذیرش
remote control	/'rɪməʊt kən'trəʊl/	ریموت کنترل
rent	/'rent/	اجاره دادن
salt	/'sɒlt/	نمک
services	/'sɜ:vɪsɪz/	خدمات
shampoo	/'ʃæm'pu:z/	شامپو
sheet	/'ʃi:t/	ورق
sink	/'sɪŋk/	وان دستشویی
soap	/'səʊp/	صابون
spoon	/'spu:n/	قاشق
steal	/'sti:l/	دستبرد زدن
tap	/'tæp/	شیر آب
toilet roll	/'tɔɪlət rəʊl/	دستمال توالت
towel	/'taʊəl/	حوله
turn off	/'tɜ:n 'ɒf/	خاموش کردن
turn on	/'tɜ:n 'ɒn/	روشن کردن
twice	/'twaɪs/	دو بار
wash	/'wɒʃ/	شستن
wash up	/'wɒʃ 'ʌp/	شستشوی ظروف
washing machine	/'wɒʃɪŋ məʃi:n/	ماشین ظرفشویی
worth	/'wɜ:θ/	ارزش

breakfast included	(اطاق هتل) شامل صبحانه
Help yourself!	از خودتان پذیرایی کنید!
home alone	تنها در خانه
I've had a great time.	اوقات خیلی خوبی داشتم.
Make yourself at home.	اینجا را خانه خود بدانید و راحت باشید.



## Unit 5

## Grammar

کاربرد **will, shall** ✓

از **will** می توان برای **قول دادن انجام کار** یا **بیان پیشنهاد** در زمان حال استفاده نمود. مثال:

We **will** send you a postcard.

ما قول می دهیم که برای شما یک کارت پستال ارسال می کنیم.

I'll open the door for you.

چطور است که درب را برایتان باز نمایم؟

**توجه:** **shall** نیز مانند **will** برای **قول دادن انجام کار** یا **بیان پیشنهاد** در جملات پرسشی اول شخص مفرد و جمع (I و we) بکار می رود. مثال:

**Shall I** lend you some money?

چطور است که مقداری پول به شما قرض دهم؟

## ضمایر مفعولی : ✓

ضمایر مفعولی، کلمه ای است که بجای مفعول می نشیند تا از تکرار آن در جمله جلوگیری نماید. ضمایر مفعولی عبارتند از:

me	you	him	her	it
us	you	them		

I know **you**.

She likes **him**.

He speaks to **her** in French.

She watches **it** in the evening.



مثال:

### ☑ افعال دو جزئی :

افعال دو جزئی یا Phrasal Verbs ، افعالی هستند که از دو کلمه شامل فعل اصلی و حرف اضافه، تشکیل شده و معنی متفاوتی نسبت به فعل اصلی دارند. مانند turn on (روشن کردن)

برخی از افعال دو جزئی رایج عبارتند از:

turn on, turn off, fill up, try on, take off, put out, break up,  
take out, give up, pick up, look up, put on, put off, turn up,  
turn down

مثال :

I will **turn on** the car.

عبارت فوق بصورت زیر نیز می تواند نوشته شود:

I will **turn the car on**.

در این جمله مفعول مابین دو قسمت افعال دو جزئی قرار می گیرد.

**توجه :** اگر بجای مفعول از ضمائر مفعولی استفاده نماییم، ضمیر مفعولی می بایست مابین دو قسمت افعال دو جزئی نوشته شود. به عبارت دیگر جملات زیر از نظر نگارش صحیح بوده و معنی واحدی می دهد:

I will turn off **the light**.

I will turn **the light** off.

I will turn **it** off.

من چراغ را خاموش خواهم کرد.

I will turn off **it**.

ولی جمله زیر نادرست است:



**توجه :** برخی از افعال دو جزئی قابلیت جداشدن از هم را نداشته و همواره بصورت یک ترکیب مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ای از این افعال عبارتند از:  
look for, search for, think of, look for, hold on, get on,  
catch on, get off, keep on, ask for, fall off,

مثال:

I am **looking for** my book.

به عبارت دیگر جمله زیر نادرست می باشد:

~~I am looking my book for.~~

### ☑ کاربرد **Must** :

**must** به معنی **(ضرورت و اجبار)** تقریباً مترادف **have to** در جملات بکار می رود. مثال:

You **must** pay for things before you leave the shop.

He **mustn't** eat in the shop.

همچنین **must** به مفهوم نتیجه گیری نیز در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:  
Ali just broke a tooth. That **must** hurt.

The dentist told me to come next week. It **must not** be an emergency.



## 📌 Vocabulary

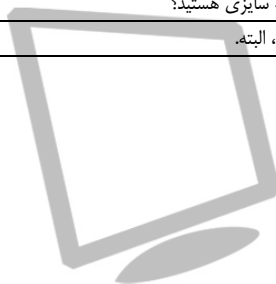
a bit	/ə 'brɪt/	ذره، ریزه
accessories	/ək 'sesərɪz/	لوازم جانبی
advice	/əd 'vaɪs/	نصیحت، اندرز
afraid of	/ə 'freɪd ɒv/	ترسیدن از ...
area	/'eəriə/	ناحیه
baseball caps	/'beɪsbɔ:l kæps/	کلاه های بسکتبال (جمع)
behaviour	/'beɪhɪvjə/	رفتار
borrow	/'bɒrəʊ/	قرض کردن
bright	/'braɪt/	تابان، درخشان
bring	/'brɪŋ/	آوردن
casual	/'kæʒuəl/	غیر رسمی، اتفاقی
catalogue	/'kætəlɒg/	بروشور
changing room	/'tʃeɪndʒɪŋ ru:m/	رختکن
cheap	/'tʃi:p/	ارزان
connected	/'kɒ'nektɪd/	متصل شده
cowboy	/'kaʊbɔɪ/	کابوی
crowded	/'kraʊdɪd/	شلوغ
customer	/'kʌstəmə/	مشتری
damaged	/'dæmɪdʒd/	آسیب، خسارت
dangerous	/'deɪndʒərəs/	خطرناک
dear	/dɪə/	عزیز
deliver	/dɪ'lvɪə/	تحويل دادن
designer	/dɪ'zama/	طراح
dress	/dres/	لباس
dying	/'daɪŋ/	درحال مردن
equipment	/'kwɪpmənt/	تجهیزات
even	/'i:vən/	حتی، عدد زوج
exercise machines	/'eksəsaɪz mə'ʃɪnz/	ماشین آلات ورزشی
face	/feɪs/	صورت، رخ
factory	/'fæktəri/	کارخانه
fashion	/'fæʃn/	مد، سبک
fashionable	/'fæʃnəbl/	شیک، با مد روز

faulty	/'fɔ:lti/	معیوب
gift	/gɪft/	هدیه
guarantee	/gə'ren'ti:/	ضمانت، تعهد
gym	/dʒɪm/	ورزش ژیمناستیک
half-price	/'ha:f 'praɪs/	نصف قیمت
heel	/'hi:l/	پاشنه پا
hold	/'həʊld/	نگه داشتن
honest	/'ɒnɪst/	صادق، راستگو
hood	/'hʊd/	کاپوت ماشین، کلاهک دودکش
however	/'haʊ'evəl/	هرچند
immediately	/'ɪmɪ'di:ətli/	بی درنگ
invent	/'ɪn'vent/	اختراع کردن
knock down	/'nɒk 'daʊn/	با ضربه به زمین کوبیدن
latest	/'leɪtɪst/	اخیرا
leaflet	/'li:flet/	بروشور، جزوه
lend	/'lend/	قرض دادن
low	/'ləʊ/	کم، اندک
lucky	/'lʌki/	خوش اقبال
mall	/'mɔ:l/	بازارچه خرید، تفرجگاه
manager	/'mænədʒə/	مدیر
match	/'mætʃ/	مسابقه، تطابق
miner	/'maɪnə/	معدنچی
neat	/'ni:t/	تمیز و پاکیزه
noisy	/'nɔɪzi/	پر سر و صدا
offer	/'ɒfə/	پیشنهاد
packing	/'pækɪŋ/	بسته بندی
pay	/'peɪ/	پرداختن
pay back	/'peɪ 'bæk/	بازپرداخت
private	/'praɪvət/	خصوصی، اختصاصی
product	/'prɒdʌkt/	محصول
purchase	/'pɜ:tʃəs/	خریداری کردن
put on	/'pʊt 'ɒn/	لباس پوشیدن
quality	/'kwɒləti/	کیفیت

refuse	/rɪ'fju:z/	رد کردن
register	/'redʒɪstə/	ثبت کردن
religion	/rɪ'ldʒən/	مذهب
religious	/rɪ'ldʒəs/	مذهبی
replace	/rɪ'pleɪs/	عوض کردن
roller blades	/'rəʊlə bleɪdz/	نوعی کفش اسکیت
rule	/ru:l/	قانون
safety	/'seɪfti/	ایمنی
sailor	/'seɪlə/	دریا نورد
sandals	/'sændlz/	صندل
secret	/'sɪkrət/	راز
security camera	/'sɪkjʊərəti kæmərə/	دوربین ایمنی مدار بسته
shorts	/'ʃɔ:ts/	شلوارک
size	/'saɪz/	اندازه
skateboards	/'sketbɔ:dz/	تخته اسکیت
smart	/'smɑ:t/	زرتنگ
socks	/'sɒks/	جوراب
special occasions	/'speʃl ə'keɪʒnz/	فرصت‌های ویژه
specific	/'spesɪfɪk/	ویژه، بخصوص
style	/'staɪl/	شیوه، سبک
subtitle	/'sʌbtartl/	زیرنویس فیلم
suggestion	/'sə'dʒestʃən/	پیشنهاد
suit	/'suɪt/	کت و شلوار
superstition	/'su:pə'stɪʃn/	خرافات
superstitious	/'su:pə'stɪʃəs/	خرافاتی
sweatshirt	/'swetʃɑ:t/	سوئیت شرت
sweets	/'swi:tz/	شیرینی
swimming costume	/'swɪmɪŋ kɒstju:m/	لباس شنا
symbol	/'sɪmbəl/	نماد، نشانه
take off	/'teɪk 'ɒf/	بیرون آوردن لباس
tight	/'taɪt/	تنگ، کیپ
tights	/'taɪts/	جوراب شلواری
tip	/'tɪp/	انعام

title	/taɪtl/	عنوان
top	/tɒp/	بالا، نوک
tracksuit	/'traksuɪt/	لباس و شلوار ورزشی
trainers	/'treɪnəz/	مربی ورزشی (جمع)
training shoe	/'treɪnɪŋ ʃuː/	کفش (تمرین) ورزشی
try on	/traɪ 'ɒn/	امتحان کردن (لباس و کفش)
unconnected	/ʌŋkə'nektɪd/	غیر متصل، منفصل
underwear	/'ʌndəweə/	لباس زیر، زیرپوش
unlucky	/ʌŋ'lʌki/	بد بختی
unwrap	/ʌŋ'ræp/	باز کردن
users	/'juːzəz/	کاربران
visitor	/'vɪzɪtə/	بازدید کننده
wear	/weə/	پوشیدن
wheels	/'wiːlz/	چرخ ها (جمع)
wrap	/ræp/	پیچیدن
youth hostel	/'juːθ hɒstl/	میهمان سرای ارزان ویژه جوانان

Can I try it on?	ممکنه آنرا امتحان کنم؟
good fit	متناسب و اندازه
How would you like to pay?	چگونه مبلغ آنرا پرداخت می کنید؟
I'll pay in cash.	مبلغ آنرا نقدی پرداخت می کنم.
I'll take it.	آنرا بر می دارم.
make a mistake	اشتباه کردن
the next size	سایز بعدی ( اندازه بزرگتر)
What do you think of ...?	نظرتان در مورد ... چیست؟
What size are you?	چه سایزی هستید؟
Yes, of course.	بله، البته.



## Unit 6

### Grammar

#### ☑ کاربرد **have to** :

**have to** و **has to** (برای سوم شخص مفرد) به معنی **(مجبور بودن)** و تقریباً مترادف **must** می باشد. مثال:

**I have to do it.**

مجبورم که این کار را بکنم

**She has to wash her hands.**

مجبور است که دستهایش را بشوید

**توجه:** از **don't have to** برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام آن ضروری نباشد. مثال:

**We don't have to start work now.**

لازم نیست حالا کار را شروع نماییم.

#### ☑ **زمان گذشته استمراری** :

زمان گذشته استمراری برای اموری استفاده می شود که در زمان مشخصی از گذشته رخ داده و در همان زمان استمرار داشته است. مثال:

**I was listening to the radio yesterday.**

من دیروز داشتم به رادیو گوش می کردم.

جمله فوق استمرار گوش دادن به رادیو را در زمان گذشته نشان می دهد. ساختار جملات گذشته استمراری بصورت زیر می باشد:

**ing + فعل اصلی + was/were + فاعل**

مثال :

**I was watching TV.**

من داشتم به تلویزیون نگاه می کردم.



**توجه :** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان گذشته استمراری، کفایست پس از افعال **was, were** از واژه **not** استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن **was, were** به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

**Was he sitting in the garden?**

**No, he wasn't.**

**توجه :** برای بیان اموری که در زمان گذشته استمرار داشته و با کار دیگری برخورد می کند، زمان گذشته استمراری همراه با یک جمله حال ساده (که معمولا با عبارت **when** همراه است) بکار می رود. مثال :

**He was watching TV when we arrived.**

زمانیکه ما رسیدیم، او داشت تلویزیون نگاه می کرد.

### ☑ کاربرد **while** و **as** در زمان گذشته استمراری :

کلمات **while** و **as** به معنی **(هنگامیکه)** در ابتدای جملات گذشته استمراری هنگام اتصال به جملات گذشته ساده بکار می روند. مثال :

**While you were driving, I saw you.**

هنگامیکه داشتید رانندگی می کردید، من شما را دیدم.

**I was watching TV as he came.**

هنگامیکه او آمد، داشتم تلویزیون نگاه می کردم.

**توجه :** هنگامیکه **when, while, as** در وسط جمله بکار رود، علامت (r) حذف می شود، در غیر اینصورت از (r) مابین جمله گذشته ساده و گذشته استمراری استفاده می کنیم. مثال :

**I saw you while you were driving.**

**While you were driving, I saw you.**

هنگامیکه داشتید رانندگی می کردید، من شما را دیدم

## 📌 Vocabulary

accident	/'æksɪdənt/	تصادف، حادثه
account	/ə'kaʊnt/	حساب
account number	/ə'kaʊnt nʌmbə/	شماره حساب
advanced driving licence	/əd'vɑ:nsɪd draɪvɪŋ laɪsəns/	گواهینامه پیشرفته رانندگی
angry	/'æŋɡri/	عصبانی
answer-phone	/'ɑ:nsə fəʊn/	مثنی تلفنی خودکار
athlete	/'æθli:t/	ورزشکار
automated message	/ɔ:təmentɪd 'mesɪdʒ/	پیغام خودکار
available	/ə'veɪləbl/	در دسترس
blood	/blʌd/	خون
break into	/breɪk 'ɪntu:z/	با زور داخل جایی شدن
busy	/'bɪzi/	اشغال
butcher	/'bʊtʃə/	قصاب
cash	/kæʃ/	پول نقد
cash machine	/'kæʃ məʃɪn/	دستگاه خود پرداز
cashier	/kə'ʃɪə/	صندوقدار
cheque	/tʃek/	چک، حواله
claim	/kleɪm/	مطالبه، ادعا
claim form	/'kleɪm fɔ:m/	فرم مطالبه
college	/'kɒlɪdʒ/	کالج
contact address	/'kɒntækt ədres/	آدرس جهت ارتباط
context	/'kɒntekst/	مفهوم، متن
counter	/'kaʊntə/	پیشخوان
cow	/kaʊ/	گاو ماده
credit card	/'kredɪt kɑ:d/	کارت اعتباری
cut off	/kʌt 'ɒf/	قطع کردن
cyclist	/'saɪklɪst/	دوچرخه سوار
dial	/'daɪəl/	شماره گرفتن
driving test	/'draɪvɪŋ test/	آزمون رانندگی
engine	/'endʒɪn/	موتور
envelope	/'envələʊp/	پاکت نامه

error	/'erə/	ایراد
event	/'event/	رویداد، اتفاق
flat tyre	/'flæt 'taɪə/	لاستیک کم باد، پنچر
guess	/'ges/	حدس زدن
healthy	/'helθi/	سالم، تندرست
helmet	/'helmɪt/	کلاه ایمنی
hurt	/'hɜ:t/	آسیب
ID	/'aɪ 'dɪz/	کارت شناسایی
important	/'ɪm'pɔ:tənt/	مهم
insert	/'ɪn'sɜ:t/	جا دادن، داخل کردن
instead	/'ɪn'sted/	بجای
insurance	/'ɪnʃʊərəns/	بیمه
keep to	/'ki:p tu:/	نگه داشتن
knock	/'nɒk/	کوبیدن
lamb	/'læm/	بره
landline	/'lændlɪn/	تلفن ثابت
laxative	/'læksətɪv/	ملین، ضد یبوست
lorry	/'lɒri/	کامیون
mobile	/'məʊbaɪl/	تلفن همراه
motorway	/'məʊtəweɪ/	اتوبان
noise	/'nɔɪz/	سر و صدا
number plates	/'nʌmbə 'pleɪts/	صفحه پلاک اتومبیل
obligation	/'ɒblɪ'geɪʃn/	الزام
operator	/'ɒpəreɪtə/	تلفن چی، متصدی
pass	/'pɑ:s/	گذشتن
passenger	/'pæsɪndʒə/	عابر
pavement	/'peɪvmənt/	پیاده رو
pedestrian	/'pɛ'destrɪən/	عابر پیاده
pedestrian crossing	/'pɛ'destrɪən 'krɒsɪŋ/	محل عبور عابر پیاده
petrol	/'petrəl/	بنزین
petrol station	/'petrəl steɪʃn/	پمپ بنزین
pharmacy	/'fɑ:məsi/	داروخانه
post code	/'pəʊstkəʊd/	کد پستی

post office	/'pəʊst ɒfɪs/	پستخانه
private detective	/'praɪvət drɪ'tektɪv/	کارآگاه خصوصی
properly	/'prɒpəli/	مناسب
queue	/'kju:/	صف
reservation	/'rezə'veɪʃn/	رزرو کردن
result	/'rɪ'zʌlt/	نتیجه
seat belt	/'si:t belt/	کمربند ایمنی اتومبیل
sign	/'sɑ:m/	نشانه، امضا کردن
spare	/'speə/	یدکی
speed limit	/'spi:d lɪmɪt/	محدوده مجاز سرعت
stamp	/'stæmp/	تمبر
still	/'stɪl/	هنوز، بی حرکت
tone	/'təʊn/	آهنگ صدا، لحن
traffic lights	/'træfɪk laɪts/	چراغ راهنمایی
traveller's cheque	/'trævləz tʃek/	چک مسافرتی
waste	/'weɪst/	هدر دادن، تلف کردن
wild	/'waɪld/	وحشی

Call back later.	بعداً مجدداً تماس می گیرم.
Can I speak to ...?	ممکنه با ... صحبت کنم؟
Don't hang up.	تلفن را قطع نکنید.
Hold the line.	تلفن را نگه دارید.
I called a moment ago.	یک دقیقه پیش تماس گرفتم.
I got cut off.	تلفنم قطع شد.
I'll put you through.	شما را به ... وصل می کنم.
Is that ...?	آیا آنجا ... است؟
Just a moment.	یک لحظه صبر کنید.
Leave a message.	پیغام بگذارید.
money back	بازپرداخت پول
Sorry, wrong number.	ببخشید، شماره اشتباه است.
to be continued	ادامه داشتن
waste time	زمان تلف شده
Who's calling?	چه کسی تماس گرفته است؟

## Unit 7

## Grammar

## ☑ ضمایر ربطی :

ضمایر ربطی یا Relative Pronouns مانند **who, what, when, where, that** ضمایری هستند که برای اتصال مابین جملات اصلی و جملات تابع بکار می روند. مثال:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

► Fred is the man **who** cleans the school.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.

برخی از ضمایر ربطی عبارتند از:

**who** (به معنی که) برای اشاره به فاعل انسان بکار می رود.

**whom** (به معنی که او را) برای اشاره به مفعول انسان بکار می رود.

**which** (به معنی که) برای اشاره به فاعل و مفعول اشیاء بکار می رود.

**that** (به معنی که) بجای **who, whom, which** می تواند بکار برود.

مثال:

A dentist is someone **that** takes care of people's teeth.

A watch is a thing **which** shows the time.

A dictionary is a book **that** tells you the meaning of words.

**توجه :** هنگامیکه ضمایر ربطی بصورت مفعول در جمله نوشته می شوند، حذف آنها،

تغییری در مفهوم جمله بوجود نمی آورد. مثال:

The book **that you bought** gives great information about holidays

► The book **you bought** gives great information about holidays.

**توجه :** زمانیکه ضمائر ربطی بصورت فاعل در جمله نوشته می شود، نمی تواند حذف شود. مثال:

The author **who wrote that book** did a great job.

► ~~The author wrote that book~~ did a great job.

### ☑ حروف اضافه مکان :

حرف اضافه **in** برای مکانهای سرپوشیده مانند اطاق، همچنین وسایل نقلیه خصوصی بکار می رود. مثال:

She works **in** a big hotel.

They are **in** the playground. He went to work **in** his car.

حرف اضافه **on** برای سطح مکانها، جاده و راه، همچنین برای وسایل نقلیه عمومی نیز بکار می رود. مثال:

We've got a villa **on** the Mediterranean coast.

We had a lovely holiday **on** the River Thames.

She got a job **on** a ship.

I don't like travelling **on** buses.

حرف اضافه **at** برای نقاط ویژه و مشخص مانند ایستگاه قطار، مدرسه و دانشگاه بکار می رود. مثال:

We met **at** the station.

Wait **at** the reception desk.

They're **at** work. He's **at** home.

My daughter is **at** university.

**توجه :** چنانچه عبارتهای **at home** و **at work** و **at school** و ... به معنی انجام دادن فعالیت در محل باشد (مانند کارکردن ، سر کار بودن) بدون ذکر **a** و **an** ، حرف اضافه **at** بکار برده می شود. در غیر اینصورت چنانچه منظور از جمله، قرار گرفتن در موقعیت مکانی باشد از **in** استفاده می شود.

## 📌 Vocabulary

accountant	/ə'kauntənt/	حسابدار
allowed	/ə'lauð/	اجازه داده شده، دارای مجوز
apartments	/ə'pɑ:tmənts/	آپارتمان ها (جمع)
appearance	/ə'piərəns/	ظاهر
artist	/'ɑ:tɪst/	هنرپیشه
attractive	/ə'træktɪv/	جذاب
battery	/'bætri/	باتری
board	/bɔ:d/	تخته، تابلو
bottle	/'bɒtl/	بطری
break	/breɪk/	شکستن
bring	/'brɪŋ/	آوردن
care	/keə/	مواظبت کردن
caretaker	/'keətəkə/	سرپرست
chemical	/'kemɪkl/	شیمیایی
chemistry	/'kemɪstri/	شیمی
classroom	/'klɑ:sru:m/	کلاس درس
cockpit	/'kɒkɪt/	کابین خلبان
comedian	/kə'mi:diən/	هنرپیشه کمدی
commission	/kə'mɪʃn/	ماموریت
company	/'kʌmpəni/	شرکت
competitive	/kəm'petətɪv/	مسابقه ای
contract	/'kɒntrækt/	قرار داد
courier	/'kʊəriə/	پیک
cruise ship	/'kru:z ʃɪp/	کشتی مسافرتی
cupboard	/'kʌbəd/	قفسه ظروف، گنجبه
dentist	/'dentɪst/	دندانپزشک
earn	/ɜ:n/	بدست آوردن
entertainer	/entə'teɪnə/	سرگرم کننده
excited	/'ɪk'saɪtɪd/	هیجان زده
expenses	/'ɪk'spensɪz/	مخارج، هزینه ها
experience	/'ɪk'spiəriəns/	تجربه
fax	/fæks/	فکس

<b>fingerprint</b>	<b>/ˈfɪŋɡəprɪnt/</b>	اثر انگشت
<b>fitness</b>	<b>/ˈfɪtnəs/</b>	تناسب اندام
<b>flexible</b>	<b>/ˈfleksɪbl/</b>	قابل انعطاف
<b>forbidden</b>	<b>/fəˈbɪdən/</b>	ممنوع
<b>garage</b>	<b>/ˈɡærɪdʒ/</b>	گاراژ
<b>hospital</b>	<b>/ˈhɒspɪtl/</b>	بیمارستان
<b>instructor</b>	<b>/ɪnˈstrʌktə/</b>	مربی، آموزگار
<b>interview</b>	<b>/ˈɪntəvjuː/</b>	مصاحبه
<b>lab</b>	<b>/læb/</b>	آزمایشگاه
<b>library</b>	<b>/ˈlaɪbrɪ/</b>	کتابخانه
<b>limousine</b>	<b>/ˈlɪməziːn/</b>	اتومبیل لیموزین
<b>literature</b>	<b>/ˈlɪtrətʃə/</b>	ادبیات
<b>luxury</b>	<b>/ˈlʌkʃəri/</b>	خوش گذرانی
<b>magic</b>	<b>/ˈmædʒɪk/</b>	جادو
<b>magicians</b>	<b>/məˈdʒɪʃnz/</b>	جادوگر
<b>mail</b>	<b>/meɪl/</b>	نامه
<b>mechanic</b>	<b>/məˈkænɪk/</b>	مکانیک
<b>musician</b>	<b>/mjuːˈzɪʃn/</b>	موسیقی دان
<b>native</b>	<b>/ˈneɪtɪv/</b>	بومی، محلی
<b>neighbour</b>	<b>/ˈneɪbə/</b>	همسایه
<b>nurse</b>	<b>/nɜːs/</b>	پرستار
<b>occupation</b>	<b>/ɒkjuːˈpeɪʃn/</b>	حرفه، شغل
<b>office</b>	<b>/ˈɒfɪs/</b>	دفتر، اداره
<b>opportunity</b>	<b>/ɒpəˈtjuːnəti/</b>	فرصت، مجال
<b>opposite</b>	<b>/ˈɒpəzɪt/</b>	مقابل
<b>pension</b>	<b>/ˈpenʃn/</b>	حقوق بازنشستگی
<b>personal</b>	<b>/ˈpɜːsənl/</b>	شخصی
<b>photocopier</b>	<b>/ˈfəʊtəʊkɒpiə/</b>	دستگاه کپی
<b>pilot</b>	<b>/ˈpaɪlət/</b>	خلبان
<b>playground</b>	<b>/ˈpleɪgraʊnd/</b>	زمین بازی
<b>postman</b>	<b>/ˈpəʊstmən/</b>	پستچی
<b>prepare</b>	<b>/prɪˈpeə/</b>	آماده کردن
<b>provided</b>	<b>/prəˈvaɪdɪd/</b>	فراهم شده



pyjamas	/pə'dʒɑ:məz/	پیژامه
qualified	/'kwɒlfaɪd/	دارای شرایط لازم، قابل
receptionist	/'rɪsɛpʃənɪst/	متصدی پذیرش
responsibilities	/'rɪ'spɒnsəbɪlətɪz/	مسئولیتها
salary	/'sæləri/	حقوق دریافتی
scientist	/'saɪəntɪst/	دانشمند
secretary	/'sekɹətəri/	منشی
self-employed	/self ɪm'plɔɪd/	شاغل در کار آزاد
staff	/stɑ:f/	کارمندان
staff room	/'stɑ:f ru:m/	اتاق پرسنل
studio	/'studi:əʊ/	کارگاه
surgery	/'sɜ:dʒəri/	جراحی
tax form	/'tæks fɔ:m/	فرم مالیات
team	/ti:m/	تیم
transport	/'trænsپɔ:t/	حمل و نقل
turban	/'tɜ:bən/	دستار، عمامه
uniform	/'ju:nɪfɔ:m/	یونیفرم، متحد الشكل
valid	/'væld/	معتبر، صحیح
VIP	/vi: ai 'pi:/	شخص ویژه و مهم
wanted	/'wɒntɪd/	درخواست شده
well-paid	/wel 'peɪd/	با حقوق مکفی

company car	ماشین اداره
dress rules	قوانین مرتبط با پوشش و شکل ظاهر
long hours	ساعات طولانی
on the whole	بطور کلی
show somebody around	اطراف را به کسی نشان دادن
take care of	مراقب ... بودن
two weeks off	دو هفته تعطیل بودن

## Unit 8

## Grammar

## ☑ ضمایر ملکی :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدید صفت ملکی قبل از اسم آمده و مالکیت شیء را بیان می کند. مانند my book (کتاب من)

ضمایر ملکی جایگزین اسم و صفت ملکی شده و مفهوم (دارایی) را می رساند. مثال:

This is my pen. این قلم من است

This is mine. این مال من است

ضمایر ملکی عبارتند از:

mine yours his hers its

ours yours theirs

توجه : فعل own نیز به معنی (دارا بودن و داشتن) گاهی جایگزین ضمایر ملکی می شود. مثال:

This pen is mine. این قلم مال من است

I own this pen. این قلم دارایی من است

توجه : به جملات سه گانه زیر توجه نمایید. هر سه جمله معنی واحدی می دهند.

I own this pen.

This pen is mine.

This is my pen.

## ☑ جملات معلوم و مجهول :

به جملاتی که در آن فاعل نقش موثری را به عهده دارد و فعل جمله به فاعل آن بر می گردد، جمله معلوم گفته می شود. تمامی جملاتی که تاکنون آموخته ایم جملات معلوم می باشند. مثال :

I study English.

به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری را به عهده دارد و فعل بصورت عمل انجام شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند. به جملات زیر توجه نمایید :

Ali sees me.

علی من را می بیند. (جمله معلوم)

I am seen.

من دیده می شوم. (جمله مجهول)

همانطور که می بینید جهت تبدیل جملات معلوم به مجهول، ابتدا مفعول را به ابتدای جمله آورده ، سپس فاعل را حذف نموده و فعل اصلی جمله را به صورت اسم مفعول آن به همراه زمان مناسب to be ذکر می کنیم.

### ☑ اسم مفعول :

اسم مفعول یا Past participle به شکل سوم فعل گفته می شود. شکل سوم افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده شکل سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. شکل سوم برخی از افعال بشرح زیر است:

see ► seen

draw ► drawn

build ► built

learn ► learned

speak ► spoken

discover ► discovered

### ☑ ساختار جملات مجهول حال ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + am/is/are + مفعول

مثال:

Every year the government builds a new railway line.

► A new railway line is built by the government every year.

### ☑ جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت if-clause (شرط) و main-clause (پاسخ شرط) تشکیل می گردند.

به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید. در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (if clause) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (main clause) خواهد بود.

### ☑ جملات شرطی غیر حقیقی:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول ، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

### ☑ جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید. مثال:

**If I have time, I will phone you.**

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد

ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:

**جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده if**

مثال :

**If he studies hard, he will pass the exam.**

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

**If I have time, I'll finish the homework this afternoon.**

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعدازظهر تمام خواهم کرد.

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز بکار برد:

**جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده**

مثال :

**He will pass the exam if he studies hard.**

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند

**I'll finish the homework this afternoon if I have time.**

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم



## 📌 Vocabulary

accounts manager	/ə'kaʊnts mənədʒə/	مدیر حسابداری
address book	/ə'dres bʊk/	کتاب یا دفترچه آدرس افراد
Alaska	/ə'læskə/	آلاسکا
amazing	/ə'meɪzɪŋ/	شگفت انگیز
apologize	/ə'pɒlədʒaɪz/	عذر خواهی کردن
Arctic	/'ɑ:ktɪk/	قطب شمالی
army	/'ɑ:mi/	ارتش
attachment	/ə'tætʃmənt/	ضمیمه
beat	/bi:t/	ضربان
billion	/'bɪljən/	بیلیون
block	/blɒk/	مسدود کردن
cave	/keɪv/	غار
carpenter	/'kɑ:pɪntə/	نجار
CD burner	/si: 'di: bə:nə/	دستگاه رایت سی دی
china	/'tʃaɪnə/	ظروف چینی
claim	/kleɪm/	ادعا، مطالبه
click	/klɪk/	کلیک کردن
cloth	/klɒθ/	پارچه
confirm	/kən'fɜ:m/	تایید کردن
contact	/'kɒntækt/	تماس گرفتن
continue	/kən'tɪnju:z/	ادامه دادن
convenient	/kən'veɪniənt/	راحت
court	/kɔ:t/	دادگاه
delete	/dɪ'li:t/	حذف کردن
disconnect	/dɪskə'nekt/	قطع کردن
double-click	/dʌbl 'klɪk/	دوبار کلیک ماوس
environment	/m'vaɪrənmənt/	محیط
eraser	/'ɪreɪzə/	پاک کن
fan	/fæn/	پنکه، طرفدار هنرمندان
file	/faɪl/	پرونده
flat	/flæt/	آپارتمان، مسطح
furthermore	/fɜ:ðə'mɔ:z/	گذشته از این ...

glass	/glɑ:s/	لیوان، شیشه
government	/'gʌvəmənt/	دولت
handle	/'hændl/	دستگیره، بکار بردن
hostel	/'hɒstl/	مسافر خانه
icon	/'aɪkɒn/	شمايل، آيكون
join	/dʒɔɪn/	متصل شدن، ملحق شدن
judge	/dʒʌdʒ/	قضاوت کردن
junk mail	/'dʒʌŋk meɪl/	هرزنامه
lead	/led/	منجر شدن، سوق دادن
long	/lɒŋ/	طولانی
material	/mə'tɪəriəl/	جنس، ماده
member	/'membə/	عضو
metal	/'metl/	فلز
national service	/næʃnəl 'sɜ:vɪs/	خدمت وظیفه (سربازی)
online	/ɒn 'laɪn/	آنلاین
optimist	/'ɒptəmɪst/	خوش بین
packet	/'pækɪt/	بسته کوچک
pan	/pæn/	ماهی تابه
pessimist	/'pesəmɪst/	بد بین
plastic	/'plæstɪk/	پلاستیک
pocket	/'pɒkɪt/	جیب، پاکت
polytechnic	/'pɒli'teknɪk/	دانشکده صنعتی
predict	/'prɪ'dɪkt/	پیش گویی کردن
prison	/'prɪzən/	زندان
receive	/'rɪ'si:v/	دریافت کردن
recycle bin	/'ri:'saɪkl bɪn/	سطل بازیافت
robot	/'rəʊbɒt/	روبات، دستگاه خودکار
roll	/'rəʊl/	طومار، پیچیدن، غلطک
round	/'raʊnd/	گرد
security	/'sɪ'kjʊərəti/	ایمنی
shape	/'ʃeɪp/	شکل
shout	/'ʃaʊt/	فریاد
square	/'skweɪ/	مربع

<b>stick</b>	<b>/stɪk/</b>	چسباندن
<b>thief</b>	<b>/θi:f/</b>	دزد
<b>thin</b>	<b>/θɪn/</b>	نازک
<b>trivia</b>	<b>/'trɪviə/</b>	بی اهمیت و ناچیز
<b>virus</b>	<b>/'vaɪrəs/</b>	ویروس
<b>wifi</b>	<b>/'waɪfaɪ/</b>	شبکه بیسیم
<b>wireless network</b>	<b>/waɪələs 'netwɜ:k/</b>	شبکه بیسیم
<b>wood</b>	<b>/wud/</b>	چوب
<b>worry</b>	<b>/'wʌri/</b>	مضطرب

<b>Best Regards</b>	با آرزوی بهترینها
<b>by mistake</b>	اشتباهی
<b>go online</b>	به شبکه متصل شدن
<b>Internet access</b>	دسترسی به اینترنت
<b>waste of money</b>	اتلاف پول
<b>without thinking</b>	بدون فکر





## Unit 9

## Grammar

## ☑ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش :

اسامی شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش هستند. مانند کتاب ، میز و... اسم جمع این اسامی با S (و یا es) همراه می باشد. مانند: books , tables  
 اسامی غیر شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش نیستند. مانند آب، نمک، حبوبات و ... اسامی غیر شمارشی بصورت مفرد در جمله ظاهر می شوند و هنگامی که بخواهیم اسامی غیر شمارشی را بصورت جمع در جمله بکار ببریم از عبارتهایی نظیر قطعه ، لیوان ، کیلو و ... بسته به نوع اسم استفاده می کنیم. مثال :

two glasses of water دو لیوان آب

two kilos of rice دو کیلو برنج

three pieces of bread سه تکه نان

برخی از اسامی غیر قابل شمارشی عبارتند از:

**abstract ideas:** health, advice, help, luck, fun

**sports and activities:** tennis, swimming, golf, basketball

**illnesses:** cancer, AIDS, diabetes, dengue

**natural events:** rain, snow, wind, light, darkness

**academic subjects:** English, Chemistry, Art, Mathematics

**Foods:** rice, milk, sugar, fat

**توجه:** فعل اسامی غیر قابل شمارشی، بصورت مفرد در جملات بکار می رود. مثال:

Fat **isn't** good for you.

چربی برای شما خوب نیست.

Mathematics **is** my favorite subject.

ریاضیات موضوع مورد علاقه من است.





### ☑ کاربرد **much, many, a lot of** :

**much** به معنی **مقدار زیاد** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **much** water is there?

There isn't **much** water.

**many** به معنی **تعداد زیاد** ماقبل اسامی قابل شمارش جمع و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **many** oranges are there?

There aren't **many** eggs.

**a lot of** به معنی **تعداد و مقدار زیاد** بجای **much** و **many** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش و در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

There are **a lot of** oranges.

There is **a lot of** water.

### ☑ کاربرد **should** :

**should** گذشته **shall** و به مفهوم **(بهتر است که ...)** جهت بیان و درخواست نصیاح، راهنمایی و پیشنهاد و الزام اخلاقی در جملات بکار می رود. مثال :

I am tired. I **should** go to bed .

خسته هستم. بهتر است که به تختخواب بروم

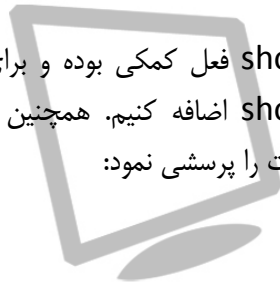
My mother is ill. She **should not** go to work .

مادرم بیمار است. بهتر است که به سرکار نرود

**should** فعل کمکی بوده و برای ساختن ترکیبهای منفی می بایست **not** را به **should** اضافه کنیم. همچنین با آوردن **should** به ابتدای جملات می توان جملات را پرسشی نمود:

They **shouldn't** go out every night.

**Should** I do more exercise?



## 📌 Vocabulary

baked potato	/beɪkt pə'tetəʊ/	سیب زمینی پخته
barbecue	/'bɑ:bɪkjuz/	کیاب کردن
barbecued meat	/bɑ:bɪkjuzd 'mi:t/	گوشت کیابی
boil	/bɔɪl/	جوشاندن
boiled egg	/bɔɪld 'eg/	تخم مرغ آب پز
bone	/bəʊn/	استخوان
bottled	/'bɒtld/	بصورت بطری
bowl	/bəʊl/	کاسه
cabbage	/'kæbɪdʒ/	کلم
calcium supplement	/'kælsiəm sʌplɪmənt/	مکمل کلسیم
century	/'sentʃəri/	قرن
cereal	/'sɪəriəl/	غله، حبوبات
chestnuts	/'tʃesnʌts/	بلوط
chop	/tʃɒp/	ریز ریز کردن، بریدن
corn	/kɔ:n/	دانه
dairy	/'deəri/	لبنیات
delicious	/drɪ'liʃəs/	لذیذ
diet	/'daɪət/	رژیم
dish	/dɪʃ/	ظرف، خوراک غذا
dried	/draɪd/	خشک شده
fat	/fæt/	چاق، چربی
frame	/frem/	قاب، چارچوب
fresh	/frefʃ/	تازه
fried egg	/fraɪd 'eg/	تخم مرغ نیمرو
fritters	/'frɪtəz/	پیراشکی گوشت یا میوه و سبزیجات
frozen peas	/frəʊzən 'pi:z/	نخود منجمد
fry	/fraɪ/	سرخ کردن
garlic	/'gɑ:lɪk/	سیر
goat's cheese	/'gəʊts tʃi:z/	پنیر بز
grated cheese	/gretɪd 'tʃi:z/	پنیر رنده شده
green pepper	/grɪn 'pepə/	فلفل سبز
grill	/grɪl/	کیاب کردن با سیخ

grilled fish	/grɪld 'fɪʃ/	ماهی کبابی
heat	/hi:t/	گرم کردن
herbs	/hɜ:bz/	ادویه گیاهی
instructions	/m'strʌkʃnz/	دستورالعمل
kebab	/kɪ'bæb/	کباب
lobster	/'lɒbstə/	خرچنگ دریایی
maize	/meɪz/	ذرت، بلال
mango	/'mæŋgəʊ/	انبه
mashed potato	/mæʃt pə'tetəʊ/	پوره سیب زمینی
nut	/nʌt/	آجیل
octopus	/'ɒktəpəs/	هشت پا
olive	/'ɒlɪv/	زیتون
overcooked	/əʊvə'kʊkt/	زیادی پخته شده
papaya	/pə'paɪə/	انبه هندی
party snack	/'pɑ:ti snæk/	خوراکی مختصر در میهمانی کوچک
peel	/pi:l/	پوست کردن
pepper	/'pepə/	فلفل
pie	/paɪ/	پای
pointed	/'pɔɪntɪd/	نوک دار
pot	/pɒt/	قوری
pour	/pɔ:/	ریختن، افشاندن
prepared	/prɪ'peəd/	مهیا شده
ready	/'redi/	آماده
recipe	/'resɪpi/	دستورالعمل پخت غذا
recommend	/rekə'mend/	توصیه کردن
replace	/rɪ'pleɪs/	تعویض کردن
roast chicken	/rəʊst 'tʃɪkən/	جوجه کباب
roast	/rəʊst/	کباب کردن
roof	/ru:f/	سقف
sausages	/'sɔ:sɪdʒɪz/	سوسیسها (جمع)
scrambled egg	/skræmblɪd 'eg/	املت تخم مرغ
serve	/sɜ:v/	سرو کردن
skewer	/'skju:ə/	سیخ کباب

sliced bread	/slaɪst 'bred/	نان بریده و قاچ شده
soft drink	/sɒft 'drɪŋk/	نوشیدنی بدون الکل
soup	/su:p/	سوپ
stew	/stju:/	تاس کباب
stir	/stɜ:/	بهم زدن
sushi	/'su:ʃi/	سوشی
table manners	/'teɪbl mə'nɜ:z/	آداب و رفتار غذا خوردن
tasty	/'teɪsti/	خوشمزه
touch	/tʌtʃ/	دست زدن
traditional	/trə'dɪʃənəl/	سستی
uncooked	/ʌn'kʊkt/	نپخته
vitamin	/'vɪtəmɪn/	ویتامین
wash	/wɒʃ/	شستن
whole grain	/'həʊl greɪn/	غذایی شامل انواع حبوبات
wholemeal	/'həʊlmi:l/	نان با آرد سبوسدار کامل

make a mess	درهم ریختگی
make an effort	تلاش کردن
make your bed	تخت خواب را مرتب کردن
set the table	میز را چینیدن
It's up to you.	هر طور که میل شماست.



## Unit 10

### Grammar

#### ☑ کاربرد **for, since, yet, just** :

همانطور که در درسهای گذشته آموختیم، در انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی (برای مدت ...) یا **since** به معنی (از ... تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال:

I've worked here **for** six years.  
We've lived in this house **since** 1995.

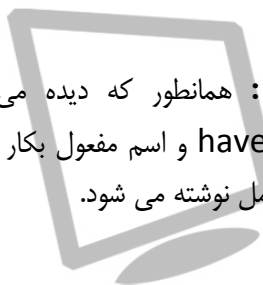
**yet** به معنی (هنوز) در جملات منفی یا پرسشی و **just** به معنی (چند لحظه قبل) در جملات مثبت و **already** به معنی (پیش از این) در جملات مثبت نیز می تواند بکار رود. مثال:

Have you had breakfast **yet**?  
No, not **yet**.  
I haven't had a shower **yet**.

I've **just** made some coffee.  
They've **just** got up.

She's **already** been for a run.  
They've **already** gone to work.

**توجه :** همانطور که دیده می شود، **just** و **already** مابین فعل کمکی **have, has** و اسم مفعول بکار می روند. همچنین **yet** معمولا در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.



**توجه :** گاهی از **before** به معنی **(قبلا)** در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her **before**.

**توجه :** در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه حال ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book **since** you came here.

**توجه :** گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have, has** و اسم مفعول بکار می روند. مثال:

Have you **ever** seen Isfahan?

No, I have **never** seen it.

### ☑ کاربرد **used to** :

**used to** به معنی **(عادت داشتن به ...)** جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته (که در زمان حال ترک شده باشد) بکار می رود. مثال:

I **used to** drink too much coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن مقدار زیادی قهوه داشتم.

**توجه:** از آنجائیکه **used to** بیانگر زمان گذشته است، با استفاده از فعل کمکی **did** می توان جملات را سوالی و منفی نمود. مثال:

I didn't **use to** eat coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن قهوه نداشتم.

Did he **use to** avoid sweet?

No, he didn't.





## 📌 Vocabulary

ancient	/'emfənt/	باستانی، قدیمی
bazaar	/bə'zɑː/	بازار
board	/bɔːd/	سوار هواپیما شدن
captain	/'kæptɪn/	کاپیتان
cave	/keɪv/	غار
check in	/tʃek 'ɪn/	پذیرش در هتل یا فرودگاه
collect	/kə'lekt/	جمع آوری کردن
continent	/'kɒntɪnənt/	قاره
cosmopolitan	/kɒzmə'pɒlɪtən/	بین المللی
countryside	/'kʌntrisaɪd/	بیابان، حومه شهر
customs	/'kʌstəmz/	آداب و رسوم
departure gate	/dɪ'pɑːtʃə ɡeɪt/	گیت خروجی
duty-free	/dʒuːtɪ 'fri/	معاف از مالیات
emergency	/ɪ'mɜːdʒənsɪ/	اضطراری
emperor	/'empərə/	امپراتور
escape	/ɪ'skeɪp/	فرار کردن
excursion	/'ɪksɜːʒn/	سیر و گردش
explore	/'ɪksplɔː/	سیاحت کردن، اکتشاف کردن
fasten	/'fɑːsn/	محکم کردن
ferry	/'feri/	گذرگاه
flight attendant	/'flaɪt ətəndənt/	میماندار هواپیما
harbour	/'hɑːbə/	لنگرگاه
historical	/'hɪstərɪkl/	تاریخی
intercom	/'ɪntəkɒm/	سیستم ارتباط داخلی
jet	/dʒet/	جت
land	/'lænd/	زمین، خشکی
monk	/'mɒŋk/	راهب
passport control	/'pɑːspɔːt kən'trɒl/	بازرسی گذرنامه
perfect	/'pɜːfekt/	کامل، تمام عیار
professional	/'prɒfəʃənəl/	حرفه ای
promise	/'prɒmɪs/	قول دادن
reach	/'riːtʃ/	رسیدن

<b>robber</b>	<b>/ˈrɒbə/</b>	سارق
<b>route</b>	<b>/raʊt/</b>	مسیر، راه
<b>sightseeing</b>	<b>/ˈsaɪtsi:ɪŋ/</b>	گشتن و بازدید از مناطق توریستی
<b>silk</b>	<b>/sɪlk/</b>	ابریشم
<b>suntan</b>	<b>/ˈsʌntæn/</b>	برنزه شدن پوست
<b>take off</b>	<b>/teɪk ˈɒf/</b>	بلند شدن هواپیما از زمین
<b>trading</b>	<b>/ˈtreɪdɪŋ/</b>	بازرگانی

<b>a five-minute walk</b>	پیاده روی پنج دقیقه ای
<b>a half-hour flight</b>	پرواز نیم ساعته
<b>a long way</b>	راهی طولانی
<b>a short bus ride</b>	اتوبوس سواری کوتاه
<b>a thirty-minute drive</b>	رانندگی سی دقیقه ای
<b>a two-day boat journey</b>	سفر دو روزه با قایق
<b>board the plane</b>	سوار هواپیما شدن
<b>five minutes on foot</b>	پنج دقیقه پیاده
<b>four or five hours by car</b>	چهار یا پنج ساعت با اتومبیل
<b>give me a ring</b>	به من زنگ بزنید.
<b>go through security</b>	از قسمت امنیت عبور کردن
<b>it's easy to reach</b>	رسیدن به ... راحت است.
<b>leave the airport</b>	ترک کردن فرودگاه
<b>not far</b>	نه خیلی دور
<b>six hours by train</b>	شش ساعت با قطار



## Unit 11

### Grammar

#### ☑ افعال حرکتی و غیر حرکتی :

افعال حرکتی یا action verbs افعالی هستند که صورت گرفتن عملی را نشان می دهند. مانند: دویدن، راه رفتن، نوشتن و ...

افعال غیر حرکتی یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...  
مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

**Thinking & opinions:** believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

**Sense:** appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

**توجه :** افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند.  
مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.

#### ☑ کاربرد مصدر :

مصدر یا Infinitive همانند مصدر در زبان فارسی حالت اولیه و بدون زمان برای افعال می باشد. از آنجاییکه مصدر شامل **صورت اولیه فعل + to** می باشد، گاهی آنرا مصدر با to یا Infinitive with to می گویند. در مثال زیر to go مصدر می باشد:

I want you **to go** with him.

از تو، رفتن با او را می خواهم (= از تو می خواهم که با او بروی)

بطور کلی مصدر به تنهایی در جملات بکار نمی رود مگر بعد از بعضی افعال خاص (مانند **want** در مثال قبل) پرکاربردترین افعالی که بعد از آن فعل دوم بصورت مصدر (با **to**) بکار برده می شود، عبارتند از:

want, agree, be sure, choose, decide, expect, hope, learn, need, plan, seem, wish, would like

**توجه:** در ترکیبات منفی مصدر، **not** قبل از **to** نوشته می شود. مثال:

I want you **not to go** there.

از تو نرفتن آنجا را می خواهم (= از تو می خواهم که آنجا نروی)

### ☑ ساختار جملات مجهول گذشته ساده:

همانطور که در درسها گذشته آموختیم، به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری را به عهده دارد و فعل بصورت عمل انجام شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند.

ساختار جملات مجهول گذشته ساده بصورت زیر می باشد:

**(فاعل + by) ... + اسم مفعول + was/were + مفعول**

مثال:

Last year the government built a new railway line.

► A new railway line was built by the government last year.



## 📌 Vocabulary

agree	/ə'grɪ:/	موافق بودن
all over	/ɔ:l 'əʊvəl/	سر تا سر
appear	/ə'piə/	ظاهر شدن
appointment	/ə'pɔɪntmənt/	قرار ملاقات
backache	/'bækəɪk/	کمر درد
career	/kə'reɪ/	حرفه، شغل
cheek	/tʃi:k/	گونه
chin	/tʃɪn/	چانه
compare	/kəm'peɪ/	مقایسه کردن
complaint	/kəm'pleɪnt/	شکایت
contact lenses	/'kɒntækt lenzɪz/	لنز تماسی
cough	/kɒf/	سرفه
decide	/dɪ'saɪd/	تصمیم گرفتن
disabled	/dɪs'æbld/	از کار افتاده، معلول
dose	/dəʊs/	مقدار دارو
ear	/ɪə/	گوش
effective relief	/ɪfektɪv rɪ'li:f/	امداد موثر، تسکین موثر
exactly	/ɪg'zæktli/	دقیقا
expiry date	/ɪk'spaɪri deɪt/	تاریخ انقضا
eyebrows	/'aɪbrəʊz/	ابروان (جمع)
eyelashes	/'aɪlæʃɪz/	مژگان (جمع)
feel sick	/fi:l 'sɪk/	احساس بیماری کردن
fever	/'fɪvə/	تب
fight	/faɪt/	جنگ
forehead	/'fɔ:hed/	پیشانی
forget	/fə'get/	فراموش کردن
heart	/hɑ:t/	قلب
imagine	/ɪ'mædʒɪn/	تصور کردن
lips	/lɪps/	لبان (جمع)
lonely	/'ləʊnli/	به تنهایی
make-up	/'meɪk ʌp/	آرایش
medical advice	/medɪkl əd'vaɪs/	توصیه پزشکی

medicine	/'medsn/	دارو
neck	/nek/	گردن
nose	/nəʊz/	بینی
pain	/peɪn/	درد
patient	/'peɪʃənt/	بیمار، مریض
pill	/pɪl/	قرص
portrait	/'pɔ:trɪt/	نقاشی از چهره انسان
prefer	/'prɪ'fɜ:/	ترجیح دادن
pregnancy	/'pregnənsi/	بارداری
pregnancy test	/'pregnənsi test/	تست حاملگی
prescription	/'pre'skrɪpʃn/	نسخه دارو
pretend	/'prɪ'tend/	وانمود کردن
process	/'prəʊses/	پردازش کردن، فرآیند
promise	/'prɒmɪs/	قول دادن
reason	/'ri:zən/	سبب، استدلال
refuse	/'rɪ'fju:z/	نپذیرفتن
seek	/'si:k/	جستجو کردن
share	/'ʃeə/	سهم
skin	/'skɪn/	پوست
sore throat	/'so: 'θrəʊt/	گلو درد
spots	/'spɒts/	لکه، خال (جمع)
stomach ache	/'stʌmək eɪk/	معه درد
suggest	/'sʌ'dʒest/	پیشنهاد کردن
symptoms	/'sɪmptəmz/	علائم بیماری
tablet	/'tæblət/	قرص
temperature	/'tempərətʃə/	دما
topic	/'tɒpɪk/	موضوع، سر فصل
try	/'traɪ/	آزمایش کردن
veins	/'veɪnz/	رگ (جمع)
white lie	/'waɪt 'laɪ/	دروغ مصلحتی

cross your fingers	دعا کردن
hurt somebody's feelings	احساسات کسی را جریحه دار کردن

## Unit 12

### Grammar

#### ☑ کاربرد اسم مصدر :

اسم مصدر یا Gerund با افزودن ing به انتهای فعل ساخته می شود. مانند painting (به معنی نقاشی) اسم مصدر بصورت اسم در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

She enjoys **painting**.

او نقاشی کردن را دوست دارد.

I've finished **cooking**.

من آشپزی کردن را به اتمام رسانده ام.

توجه : پس از افعال زیر اسم مصدر بکار می رود:

enjoy, feel, like, mind, practice, quit, suggest, would you mind, can't help, can't stand, to be used to

مثال:

I enjoy **watching** TV.

توجه : پس از حروف اضافه، فعل بصورت اسم مصدر بکار می رود. مثال:

Thanks for **asking**.

#### ☑ ترکیبات some, any, no :

همانطور که در درسهای گذشته دیدیم، some در جملات مثبت، any در جملات پرسشی و منفی بکار می رود. no نیز در جملات مثبت بکار رفته و به آن مفهوم منفی می دهد.

از ترکیب some, any, no با لغاتی از قبیل one, body, thing, where ضمایر مجهول یا Indefinite pronouns ساخته می شود که با قوانین فوق می توانند در جملات بکار برده شوند.

**توجه :** پس از **some , any , no , every** و ترکیبات آنها همیشه فعل بصورت مفرد می آید. مثال :

There is **something** on the table.

یک چیزی روی میز قرار دارد

There isn't **anything** to eat.

هیچ چیز برای خوردن وجود ندارد

He didn't say good-bye to **everyone**.

او با همه خداحافظی نکرد

There is **no one** in the class.

هیچ کس در کلاس نیست

There was **nothing** on TV.

هیچ چیز در تلویزیون نبود

**توجه :** در مثال های زیر هر دو جمله مفهوم یکسانی دارند:

I want **nothing** to eat.

( = I don't want **anything** to eat.)

من هیچ چیز برای خوردن نمی خواهم

I went **nowhere**.

( = I didn't go **anywhere**.)

من هیچ جا نرفتم

### ☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...) ساختار جملات شرطی نوع دوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ زمان آینده در گذشته , جمله شرط زمان گذشته ساده **if**



مثال :

**If I spoke Chinese, I would apply for that job.**

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

**If her parents knew about her tattoo, they would be angry.**

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

**توجه :** در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، بجای **was** معمولاً از **were** استفاده می شود. مثال:

**If I were you, I wouldn't go there.**

اگر بجای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

**If he were rich, he could help you.**

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.

**☑ حروف اضافه زمان :**حرف اضافه **on** برای کل روز بکار برده می شود. مثال:**on Friday, on Christmas Day, on my birthday, on 19 May 1979**

حرف اضافه **in** برای قسمتی از روز و همچنین قبل از ماه، سال و فصل بکار می رود. مانند:

**in the morning, in the afternoon, in the evening, in January**

حرف اضافه **at** برای مقاطع زمانی از قبیل شب، نیمه شب، ظهر، سپیده دم و ... بکار برده می شود. مانند:

**at night, at midnight, at noon, at dawn, at midday, at sunrise, at 10 a.m.****توجه:** قبل از موارد زیر، حرف اضافه ذکر نمی شود:**tonight, tomorrow, last week, this morning, every day**

## 📌 Vocabulary

acquaintance	/ə'kwemtəns/	آشنا
ask out	/'ɑ:sk aʊt/	درخواست و دعوت برای صرف نهار و ...
autograph	/'ɔ:təgrɑ:f/	دستخط
camel	/'kæml/	شتر
ceremony	/'serəməni/	مراسم جشن
costume	/'kɒstjʊm/	جامه
covered	/'kʌvəd/	پوشانده شده
cucumber	/'kju:kʌmbə/	خیار
date	/deɪt/	قرار گذاشتن، تاریخ
dinosaur	/'daɪnəsɔ:/	دایناسور
drum	/drʌm/	طبل
enormous	/'ɪnɔ:məs/	عظیم
exam	/'ɪg'zɑ:m/	آزمون
exotic	/'ɪg'zɒtɪk/	مرموز، عجیب
feeding	/'fi:dn̩/	تغذیه کردن
festival	/'festɪvəl/	جشنواره
fight	/faɪt/	نبرد
folk	/fəʊk/	گروه مردم
forgive	/fə'gɪv/	عفو کردن
get along	/get ə'ləŋ/	کنار آمدن، برخورد مسالمت آمیز
hope	/həʊp/	امیدوار بودن
ideal	/aɪ'di:əl/	ایده آل
kind	/kaɪnd/	مهربان، نوع
lawyer	/'lɔ:ʃə/	وکیل
mother-in-law	/'mʌðər ɪn lɔ:/	مادر زن، مادر شوهر
mud	/mʌd/	گل، لجن
peace	/'pi:s/	صلح، آرامش
polite	/'pə'laɪt/	مودب
poor	/'pɔ:/	فقیر، بیچاره
popular	/'pɒpjʊlə/	مردمی
procession	/'prɒ'seɪʃn/	حرکت دسته جمعی در صفوف منظم
race	/'reɪs/	مسابقه

snake	/sneɪk/	مار
stage	/steɪdʒ/	صحنه نمایش
statue	/'stætʃuː/	تندیس
sugar cane	/'ʃʊgə kem/	نیشکر
ton	/tʌn/	تن
tribe	/traɪb/	قبیله، طایفه
tropical	/'trɒpɪkl/	نواحی استوایی
unfortunately	/ʌn'fɔ:tʃənətli/	بدبختانه
war	/wɔ:/	جنگ
watermelon	/'wɔ:təmelən/	هندوانه
wish	/wɪʃ/	آرزو کردن

give somebody a hand	به کسی کمک کردن
in a hurry	با عجله
just in case	تنها در صورتیکه
live and let live	به معنی پذیرفتن رفتار و برخوردهای مردم است.
sorry to trouble you	ببخشید که مزاحمتان شدم ...
stand up straight	راست و مستقیم روی پا ایستادن
Would you mind ...?	اشکالی ندارد که ... ؟
Yours sincerely	ارادتمند شما



## English Result Pre-Intermediate

### 📌 Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> <b>Documents</b></p> <p>Badge business card credit card driving licence envelope ID card letter note passport ticket</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> <b>Weather</b></p> <p>rain rainy snow snowy cloud cloudy fog foggy storm stormy sun sunny wind windy heat hot cold</p>
<p><input checked="" type="checkbox"/> <b>Tourist attractions</b></p> <p>beach castle church desert forest island lake lighthouse mountain railway river ruins village</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> <b>Temperature &amp; rainfall</b></p> <p>hot warm cool cold wet dry</p>



## English Result Pre-Intermediate

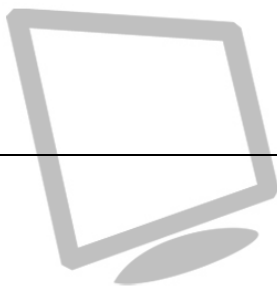
### Topic wordlist

<p><b>☑Souvenirs</b>                  bag                  cap                  cup                  fan                  key ring                  knife                  mug                  plate                  postcard                  poster                  rug                  t-shirt</p>	<p><b>☑Abilities</b>                  do crosswords                  do puzzles                  do jigsaws                  make dinner                  make clothes                  make a fire                  play the guitar                  play golf                  play table tennis                  play chess                  read a map                  read Arabic                  read music                  ride a bike                  ride a horse                  ride a motorbike                  use a sewing machine                  use a computer</p>
<p><b>☑Adventure sports</b>                  climbing                  diving                  ice climbing                  roller skating                  scuba-diving                  skating                  skiing                  skydiving                  snowboarding                  surfing                  waterskiing                  windsurfing</p>	<p><b>☑Types of story</b>                  a comedy                  a horror story                  a novel                  a play                  a romance                  a thriller                  an action film                  an epic                  science fiction</p> 
<p><b>☑Accidents at home</b>                  break                  burn                  cut                  do                  drop                  fall                  happen                  put</p>	

## English Result Pre-Intermediate

### 📌 Topic wordlist

<p><b>☑️Hotel rooms</b>                  ashtray                  blanket                  floor                  glass                  lamp                  mini-bar                  pillow                  remote control                  shampoo                  sheet                  soap                  tap                  toilet roll                  towel</p>	<p><b>☑️Around the house</b>                  cup                  fork                  glass                  knife                  plate                  sink                  spoon                  electricity                  gas                  heating                  water</p>
<p><b>☑️Ideas</b>                  agree                  compare                  decide                  forget                  hope                  imagine                  plan                  prefer                  pretend                  promise                  refuse                  suggest                  try                  want</p>	<p><b>☑️Clothes</b>                  dress                  sandals                  shorts                  socks                  suit                  sweatshirt                  tights                  top                  tracksuit                  trainers                  underwear</p>




## English Result Pre-Intermediate

### 📌 Topic wordlist

<p><b>☑️ On the road</b> accident cyclist helmet motorway number plate pavement pedestrian crossing seat belt traffic lights tyre</p>	<p><b>☑️ Jobs</b> artist cashier dentist mechanic nurse pilot receptionist scientist secretary</p>
<p><b>☑️ Bank and post office</b> account number cash cashier cash machine cheque credit card envelope ID post code stamp traveller's cheque</p>	<p><b>☑️ Workplaces</b> bank cockpit garage hospital hotel laboratory office studio surgery</p>
<p><b>☑️ Symptoms of illness</b> aching all over a cough a headache a sore throat a temperature backache feel sick</p>	<p><b>☑️ Material</b> cardboard china cloth glass metal plastic wood</p>
	<p><b>☑️ Shape</b> flat long and thin round square</p>

## English Result Pre-Intermediate

### 📌 Topic wordlist

<p><b>☑️ Computer words</b>          attachment          button          click          delete          download          icon          message          receive          send          virus          window</p>	<p><b>☑️ Cooking verbs</b>          barbecue          boil          chop          fry          grill          heat          peel          pour          roast          stir          wash</p>
<p><b>☑️ Prepared food</b>          a baked potato          some frozen peas          some grated cheese          a boiled egg          some grilled fish          some mashed potato          a fried egg          some scrambled egg          a roast chicken          some sliced bread</p>	<p><b>☑️ Journey times</b>          a short bus ride          a five-minute walk          not far          a thirty-minute drive          a half-hour flight          a two-day boat journey          four or five hours by car          six hours by train          five minutes on foot          a long way</p>
<p><b>☑️ Air travel</b>          board the plane          collect your bags          go through customs          go to the departure gate          arrive at the airport          go to the duty-free shop          land          leave the airport          go through passport control          take off          check in your bags          go through security</p>	<p><b>☑️ The face</b>          cheek          chin          ear          eyebrows          eyelashes          forehead          lips          neck          nose          skin</p> 



## منابع و مراجع

- Mark Hancock & Annie McDonald, English Result Pre-Intermediate, Oxford University Press 2010
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch Level 1, Pearson Longman 2006
- Alireza Motamed, TDictionary, TahlilGaran 2012
- Alireza Motamed, PersianVi Pre-Intermediate, TahlilGaran 2010

## آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

# تحلیکران

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارت‌های زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی گروه آموزشی انتشارات تحلیکران مراجعه نمایید:  
[www.TahlilGaran.org](http://www.TahlilGaran.org)